

مسجد و مدرسه دارالاحسان سنندج: بررسی صورت اولیه و دگرگونی‌ها

چکیده

مسجد و مدرسه دارالاحسان از مهم‌ترین بناهای تاریخی سنندج است که در فاصله سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۲ق به دستور امان‌الله‌خان اردلان والی آن زمان کردستان ساخته شد. در صورت امروزی آن نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بنا در طول زمان دچار تغییراتی شده و صورت ابتدایی آن متفاوت بوده است. با وجود توجه پیوسته پژوهشگران به بنا، هیچ تحقیق مستقلی درباره صورت اولیه بنا و تغییرات ایجادشده در آن انجام نشده است. بنابراین، این مقاله با بهره‌گیری از ترکیب راهبردی تاریخی با راهبرد مطالعه موردی، به شناسایی، تحلیل و تفسیر صورت اصیل بنا و تغییرات آن در طول زمان می‌پردازد. بدین منظور، پس از شناخت وضعیت موجود بنا، همه شواهد تغییر بنا با مراجعه به منابع تاریخی از جمله گزارش‌های مرمتی، اسناد تصویری (عکس و نقشه)، متون تاریخی، کتیبه‌ها و خود بنا جمع‌آوری شد. بررسی و مقابله این اطلاعات نشان می‌دهد مداخلات صورت گرفته در بنا و اتفاقات مرتبط با آن را می‌توان در سه بازه زمانی دسته‌بندی کرد. در دوره اول (۱۲۲۶-۱۲۳۲ق) بنا پس از تأسیس به صورت پی‌درپی دچار تغییراتی شد؛ مهم‌ترین آن‌ها تغییر جایگاه بنا به مسجدجامع شهر در سال ۱۲۲۹ق بود که بازسازی و گسترش شبستان را به دنبال داشت. در دوره میانی (۱۲۳۲-۱۳۵۱ق/۱۳۱۱ش) صورت کلی بنا تغییری نکرد، اما پس از چند دهه و با بروز مشکلاتی در تولید موقوفه‌های بنا خرابی‌هایی به صورت فزاینده در آن پدید آمد که به تخریب و بازسازی مناره‌ها در سال ۱۳۴۳ق انجامید. در دوره معاصر (۱۳۱۱-۱۴۰۱ش) بخش کوچکی در ضلع جنوبی بنا بر اثر احداث خیابان در سال ۱۳۱۱ش تخریب شد. تا سال ۱۳۱۴ش بنا در موقعیت جدیدش در کنار خیابان مرمت و سامان‌دهی شد. از آن پس تا امروز، به‌ویژه با ثبت بنا در فهرست آثار ملی در سال ۱۳۲۷ش، عمده اقدامات صورت گرفته در جهت حفظ بنا بوده و صورت آن ثابت مانده است. در پایان، مبتنی بر این یافته‌ها، برخی از فرضیه‌های دانشوران پیشین ارزیابی می‌شود؛ فرضیه‌هایی درباره مسجدجامع بودن بنا از ابتدا، احتمال ناتمام ماندن ساخت بنا، و شباهت ساختار فضایی این بنا با مساجد بومی کردستان از این جمله‌اند.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ معماری ایران، معماری کردستان، مسجد و مدرسه دارالاحسان، مسجدجامع سنندج.

* کارشناس ارشد، مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی

** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

*** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسئول، h_safaiepur@sbu.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. مسجد و مدرسه دارالاحسان در طول زمان چه تغییراتی کرده است؟
۲. صورت اولیه مسجد و مدرسه دارالاحسان چگونه بود؟

مقدمه

مسجد و مدرسه دارالاحسان (مسجدجامع سنندج) از بناهای مهم دوره قاجاریان در سنندج است که در سال ۱۲۲۶ق به دستور امان‌الله‌خان اردلان، والی کردستان، بنیان نهاده شد. در صورت امروزی آن نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بنا در طول زمان تغییر کرده است. با وجود اینکه دارالاحسان همواره بیش از سایر بناهای تاریخی کردستان مورد توجه بوده است و نویسندگان و محققان متعددی در مورد آن نگاشته‌اند، شناخت صورت اولیه بنا و تغییرات آن هیچ‌گاه مسئله اصلی پژوهشگران پیشین نبوده است. محققان بیشتر بر کتیبه‌ها و محتوایشان، تزیینات بنا و بررسی‌های گونه‌شناسانه و سبک‌شناسانه آن متمرکز بوده‌اند. هرچند بحث‌هایی نیز در مورد پیشینه تاریخی بنا مطرح شده است، به صورت کلی با بنایی مواجهیم که در مورد صورت اولیه و تغییرات آن ابهام وجود دارد.

به عقیده برخی از دانشوران^۱ مسجد و مدرسه دارالاحسان از بدو تأسیس مسجدجامع شهر بود. آن‌ها تأسیس دارالاحسان را با تخریب مسجد و مدرسه بابان (مسجدجامع قبلی شهر)، که به دستور امان‌الله‌خان بانی دارالاحسان صورت پذیرفت، مرتبط می‌دانند (کریمیان ۱۳۷۴، ۸۲؛ زارعی ۱۳۸۵ الف، ۳۱؛ Alizadeh 2004, 119). مبتنی بر تقارن زمانی این دو اتفاق، پژوهشگران معتقدند که امان‌الله‌خان دارالاحسان (مسجدجامع جدید) را به جای مسجد بابان (مسجدجامع قبلی) ساخت. کریمیان حتی ادعا می‌کند دارالاحسان در همان مکان مسجد و مدرسه بابان ساخته شده است، که آن هم بر شالوده مسجدی مربوط به عهد صفویان بنا شده بود (کریمیان ۱۳۷۴، ۸۲). اسناد و شواهد تاریخی و تحقیقات دانشوران دیگر مبتنی بر این اسناد، صحت این دعوی را منتفی می‌کند (زارعی ۱۳۸۶، ۱۵۰؛ Alizadeh 2004, 119). عزیزاده و زارعی معتقدند امان‌الله‌خان - در ادامه رقابت‌های خاندانی میان اردلان‌ها و بابان‌ها - ابتدا مسجدجامع قبلی را تخریب کرد و سپس مسجدجامع جدید را در جایی دیگر و دورتر از قلعه حکومتی شهر ساخت (زارعی ۱۳۸۵ الف، ۳۱؛ Alizadeh 2004, 119). از نظر زارعی تغییر محل مسجدجامع در ارتباط با قلعه حکومتی و بازار به وسیله امان‌الله‌خان اقدامی نوآورانه و متهورانه بود که در جهت تغییر ساختار شهر صورت پذیرفت (زارعی ۱۳۸۵ الف، ۳۲-۳۳). عزیزاده هم معتقد است انتقال مسجدجامع از مرکز عمومی شهر به محله اشراف دلایل مذهبی و غیرمذهبی داشت (Alizadeh 2004, 120). در مقاله پیش رو درستی اینکه دارالاحسان از ابتدا مسجدجامع بود، بررسی و امکان بازاندیشی در فرضیه‌های مبتنی بر آن فراهم شده است.

علاوه بر این، فرضیه‌ای دال بر ناتمام ماندن بنا مطرح شده است (کریمیان ۱۳۷۴؛ زارعی ۱۳۸۵ الف). پژوهشگران مبتنی بر قول برخی از مورخان از خواست بانی برای ساخت صحن و حجره‌هایی دیگر در ارتباط با ایوان جنوبی بنا سخن گفته‌اند که اجل او را ناکام گذاشت. به عقیده آنان بنا در جداره جنوبی بی‌نظم و ناتمام به نظر می‌رسد که با الحاق صحنی به ایوان جنوبی بی‌نظمی آن رفع خواهد شد. به نظر می‌رسد در این فرضیه، جایگاه ایوان جنوبی در ارتباط با سایر فضاها درک نشده و جزئی منفک از بنا پنداشته شده است. در مقابل، در فرضیه‌ای دیگر، دانشوران وضعیت ایوان جنوبی بنا را در ارتباط با شبستان از ویژگی‌های سبکی مساجد در کردستان برمی‌شمرد (خادمزاده، معماریان، و صلواتی ۱۳۹۶) و آن را کاملاً مشابه چینش فضاهای مساجد بومی کردستان می‌دانند؛ در این چپ‌نش حد انتهایی شبستان فضایی نیمه‌باز است و از طریق دیوار قبله به ایوانی رو به جنوب باز می‌شود. در مقاله حاضر با بررسی صورت ابتدایی ایوان جنوبی، دیوار قبله و شبستان بنا با تکیه بر شواهد تاریخی صحت وجود این ویژگی سبکی در دارالاحسان و نیز فرضیه ناتمام ماندن بنا بررسی شده است.

در بخشی دیگر از تحقیق خادمزاده و همکاران او، بنای دارالاحسان حاصل التقاط دو الگوی متفاوت در فرهنگ

معماری ایران معرفی شده است: یکی الگوی بومی مساجد کردستان و دیگری الگوی مسجد دارای حیاط مرکزی مشابه مساجد منطقه مرکزی ایران. آن‌ها معتقدند هرچند دارالاحسان به نظر شباهت بیشتری با مساجد نواحی مرکزی ایران دارد، با دقت در الگوی نقشه آن می‌توان دریافت که ویژگی‌های خاص خود را دارد و تأثیر مساجد بومی کردستان در آن مشهود است. با این حال، به اعتقاد آن‌ها اهمیت و نقش برخی از اجزای دارالاحسان به‌رغم تشابهشان با گونه بومی مساجد کردستان متفاوت است. روشن شدن صورت اصیل بنا در مقاله حاضر درستی برخی از ادعاهای خادم‌زاده و همکارانش را با چالش مواجه کرده است. این امر ضرورت بازبینی بررسی‌هایی را که به مقایسه اجزای مساجد تاریخی کردستان پرداخته‌اند می‌نمایاند.

در مورد تغییرات بنا کریمیان به صورت محدود و با ارجاع به منابع مکتوب برخی تغییرات را فقط نام می‌برد: بازسازی مناره‌ها، کاشی‌کاری مجدد ایوان رو به قبله و مرمت‌های دهه شصت (کریمیان ۱۳۷۴، ۸۳). فهرست محدود او هیچ‌کدام از ناهماهنگی‌های موجود در بنا را توضیح نمی‌دهد، ناهماهنگی‌هایی که ناهم‌زمانی ساخت اجزا و تغییر برخی از آن‌ها را می‌نمایاند. با توجه به نشانه‌های تغییر، ابهام در صورت اصیل بنا و تشتتی که در آرای محققان در موارد مختلف وجود دارد، درمقاله پیش رو، صورت اولیه بنا و تغییرات آن در طول زمان بررسی شده است.

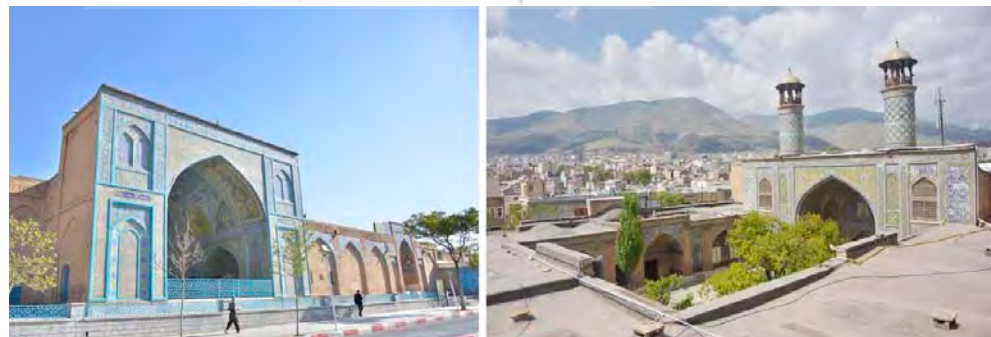
در این مقاله با بهره‌گیری از راهبردی تاریخی در ترکیب با راهبرد مطالعه موردی تغییرات بنا در طول زمان و صورت اولیه آن روشن می‌شود. برای این کار از منابع مختلف استفاده شد: از عکس، نقشه، کتیبه و تاریخ‌نامه‌ها گرفته تا خود بنا. با وجود استعداد متفاوت منابع و تراکم زمانی نامتوازنشان، با مقایسه، بررسی و تحلیل دقیق آن‌ها اطلاعات کافی برای پیشبرد بحث فراهم شد. روش کلی چنین بود که اسناد تصویری^۱ و متنی^۲ پس از اعتبارسنجی و تاریخ‌گذاری به ترتیب تاریخ بر روی یک نوار زمانی کنار هم قرار داده شدند. دسته‌های اسناد مربوط به تاریخ‌های مشخص - همچون قطعات جورچین - امکان ترسیم تصاویر کامل‌تر را در هر بازه زمانی فراهم کردند که در حدود جزئیات، متناسب با استعداد اسناد، با یکدیگر متفاوت‌اند. با مقایسه این تصاویر اولین روایت‌ها از تغییرات بنا شکل گرفت. برای هر سند جدید مراتب یادشده، شامل اعتبارسنجی، تاریخ‌گذاری و قرارگیری در کنار سایر اسناد بر روی نوار زمانی انجام شد و روایت‌های موجود مبتنی بر اطلاعات به دست آمده از آن سند یا اصلاح شدند یا بر جزئیاتشان افزوده شد. این چرخه آن قدر پیش رفت تا در انتها از به هم پیوستن روایت‌های کوچک‌تر یک روایت منسجم از تغییرات بنا به دست آمد.

شناخت دقیق وضعیت امروز بنا، که حاصل تمام تغییرات صورت گرفته در آن اعم از مرمت، تخریب و الحاق است، اهمیت بسزایی در مسیر تحقیق داشت. بدون شناخت وضعیت موجود خوانش صحیح و دقیق آن دسته از اسناد، که در بردارنده اطلاعاتی از صورت بنا بودند، ممکن نبود. به علاوه، فرضیه‌های شکل گرفته همگی در بازدیدهای مکرر از بنا سنجیده و اصلاح شدند. برای شناخت بنا، ضمن بازدیدهای پی‌درپی، صحت و دقت نقشه‌های موجود بررسی و سپس مبتنی بر آن، مدلی سه‌بعدی از بنا تهیه شد. مبتنی بر این اقدامات و در چرخه‌ای، شبکه‌ای واحد از اطلاعات بنا به دست آمد که زمینه‌موشکافی و تعمق در معماری بنا را فراهم کرد.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۲۹

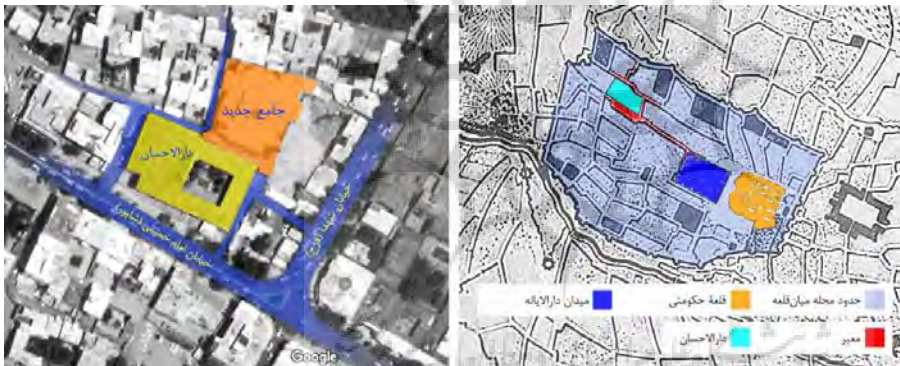


تصویر ۱: وضعیت امروزی بنا

از آنجاکه صورت امروز بنا روشن و صورت اولیه مبهم است، به صورت منطقی باید صورت کنونی بنا را مبنای بررسی تغییرات از زمان حال به گذشته قرار داد. با این رویکرد پس از بررسی تغییرات مربوط به یک بازه زمانی صورت بنا در ابتدای آن بازه روشن می شود و به صورت مشابه در چند مرحله می توان صورت اصیل بنا را تصویر کرد. تعداد بازه های زمانی و نقاط عطفی که ابتدا و انتهای آن ها را مشخص می کند از ابتدا معلوم نبود، بلکه به صورت تدریجی در مسیر تحقیق و از دل آن بیرون آمد. بدین ترتیب، در مقاله پیش رو پس از معرفی بنا، تغییرات صورت گرفته در سه بازه زمانی از امروز به گذشته بررسی می شود. بازه اول، تغییرات دوره معاصر را از احداث خیابان در مجاورت بنا تا امروز (۱۳۱۱-۱۴۰۱ ش) دربر می گیرد. بازه دوم، شامل تغییرات دوره میانی از پایان ساخت تا احداث خیابان (۱۲۳۲-۱۳۵۱ ق/ ۱۳۱۱ ش) است؛ و در بازه سوم، تغییرات بنا در دوره ساخت (۱۲۲۶-۱۲۳۲ ق) بررسی شده است.^۴ در انتها در جدولی تغییرات بنا و رویدادهای مرتبط با آن در هر سه بازه زمانی به ترتیب تاریخ فهرست شده و صورت بنا در ابتدا و انتهای هر بازه در قالب نقشه و مدل سه بعدی بازنمایی شده است.

۱. معرفی بنا

مسجد و مدرسه دارالاحسان که مسجد جامع شهر سنندج نیز هست، در سال ۱۲۲۶ ق به دستور امان الله خان اردلان، والی قدرتمند کردستان در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار بنیان نهاده شد. همان طور که در قدیمی ترین نقشه سنندج (تصویر ۲، راست) مشهود است، این بنا در شمال غربی محله محصور ناوقلا^۵ [میان قلعه] قرار داشت و از طریق معبری به میدان دارالایاله واقع در غرب قلعه حکومتی مرتبط می شد.

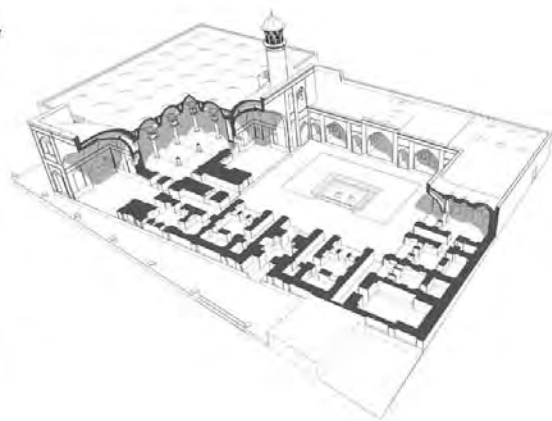


تصویر ۲: راست: موقعیت بنا در محله میان قلعه در نقشه سال ۱۸۵۱ (مهریار و دیگران ۱۳۷۸، ۱۹۶؛ با تصرف نگارندگان)؛ چپ: موقعیت معابر و مسجد جامع جدید نسبت به بنای دارالاحسان در عکس هوایی سال ۱۳۹۶ ش (گوگل مپ؛ با تصرف نگارندگان)

بنا امروزه در جداره شمالی خیابان امام خمینی (شاپور سابق) در غرب بافت تاریخی سنندج قرار گرفته است و نسبت به محور خیابان هفت درجه اختلاف زاویه دارد. پیش تر در هر چهار طرف آن معبر قرار داشت؛ اما امروزه ساختمان مسجد جامع جدید از جانب شمال شرقی به بنا متصل است (تصویر ۲، چپ).

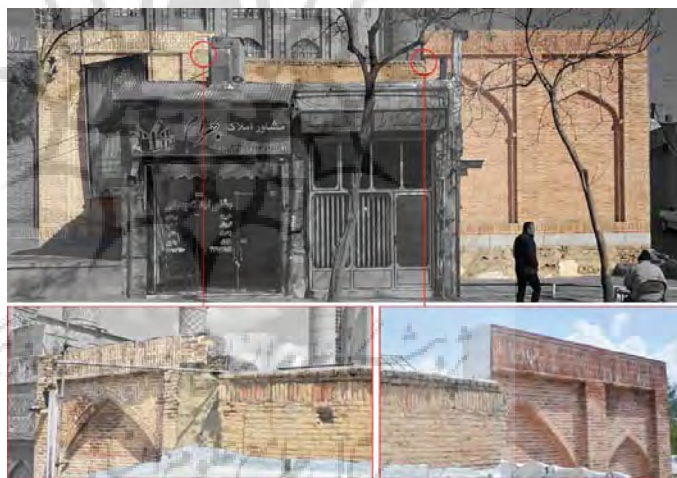
بنا در زمینی مستطیلی در شیب رو به شمال تپه ای قرار دارد. برای احداث آن، زمین به میزان قابل توجهی خاک برداری شده است. از این رو جرز شمالی بنا در برخی نقاط حدود پنج متر در دل زمین قرار دارد. در مقابل، تراز ورودی بنا در جداره جنوبی از پیاده رو و خیابان بلندتر است. به همین سبب، سکویی سنگی متصل به جداره جنوبی بنا و موازی با خیابان ساخته اند که تراز پیاده رو را به ورودی می رساند. در کنار سکو و متصل به بنا دو دهنه مغازه در مجاورت خیابان قرار گرفته که پیش تر تعدادشان بیشتر و نمایشان متفاوت بوده است (ر.ک: تصویر ۱۳).

دارالاحسان بنایی یک طبقه و با کشیدگی شرقی غربی است. بخش غربی که مرتفع تر است، از شبستانی با ۲۴ ستون سنگی و دو ایوان متصل به آن از جانب شرق و جنوب تشکیل شده است. مناره ها بر جرزهای ایوان شرقی بنا شده اند. بخش شرقی بنا شامل دستگاه ورودی، حجره ها، مدرس و فضاهای دیگر است که دورتادور صحن قرار گرفته و نظم



تصویر ۳: راست: برش-پرسپکتیو از بنا؛ چپ: نقشه مسجد و مدرسه دارالاحسان (اسناد اداره کل میراث فرهنگی کردستان؛ با تصرف نگارندگان)

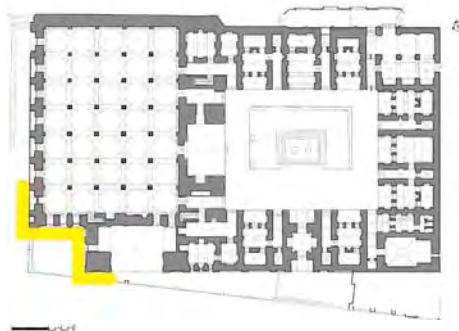
یافته‌اند. در میانه صحن حوضی چهار گوشه از سنگ قرار دارد که سکویی به شکل U آن را از سه جانب دربر گرفته است. در صورت امروزی بنا ناهماهنگی‌هایی وجود دارد که تغییرات بنا را در طی زمان نشان می‌دهند؛ از جمله می‌توان به جداره جنوبی در سمت راست سردر ورودی و نیز پس نشستن دیوار در گوشه جنوب غربی بنا اشاره کرد (تصویر ۴ و ۵).



تصویر ۴: جداره جنوبی در سمت راست سردر ورودی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲
۳۱



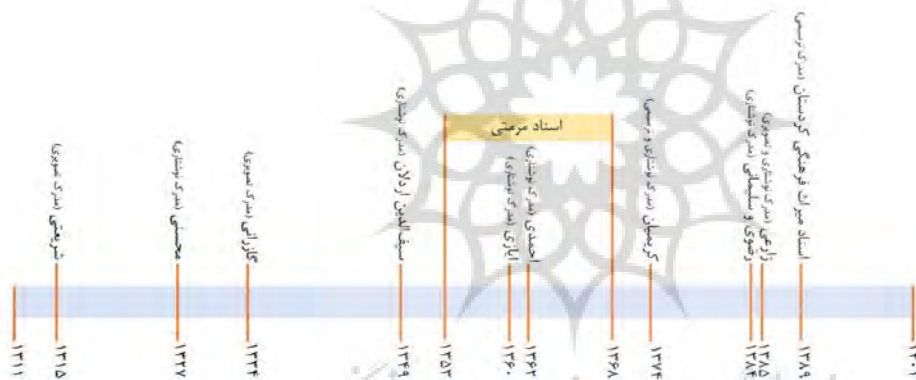
تصویر ۵: پس نشستن دیوار در گوشه جنوب غربی بنا و بی‌نظمی نمای آن

۲. مرور تغییرات بنا

تغییرات صورت گرفته در بنا در سه بازه زمانی از زمان حال به گذشته بررسی می‌شود. در دوره معاصر، که خود شامل دو بخش است، تغییرات بنا از احداث خیابان در مجاورت آن تا امروز (۱۳۱۱-۱۴۰۱ ش) بررسی می‌شود. دوره میانی شامل تغییرات بنا از پایان ساخت تا احداث خیابان (۱۲۳۲-۱۳۵۱ق/۱۳۱۱ش) است و دوره ساخت، تأسیس بنا در ۱۲۲۶ق و توسعه آن تا ۱۲۳۲ق را دربر می‌گیرد.

۲.۱. دوره معاصر: از احداث خیابان شاپور در مجاورت بنا تا امروز (۱۳۱۱-۱۴۰۱ش)

در سال ۱۳۱۱ش با احداث خیابان شاپور (خیابان امام خمینی امروزی) تخریبی مختصر در قسمت جنوبی بنای دارالاحسان رخ داد. تا سال ۱۳۱۴ش جداره جنوبی آن مرمت و متناسب با هم‌جواری‌اش با خیابان سامان‌دهی شد و صورت نو یافت. پس از آن و به‌ویژه با ثبت بنا در فهرست آثار ملی در ۱۳۲۷ش، اقدامات صورت گرفته در بنا عمدتاً در چارچوب مشخص و در جهت حفظ بنا بوده و صورت آن ثابت مانده است. بر این اساس تغییرات بنا در این بازه زمانی در دو مرحله بررسی شده است: ۱. از ۱۳۱۴ش تا امروز، که با مقایسه توصیف‌ها و اسناد تصویری و نیز بررسی گزارش‌های مرمتی روشن می‌شود تغییراتی جزئی در بنا ایجاد شده و صورت آن تقریباً ثابت مانده است؛ ۲. از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ش، جزئیات تخریب‌های ناشی از احداث خیابان و اقدامات مرمتی پس از آن به کمک تصاویر و آثار باقی‌مانده در بنا روشن شده است.



تصویر ۶: تاریخ اسناد، تصاویر و توصیف‌های مربوط به دارالاحسان در بازه اول با ذکر نام مؤلفان

۲.۱.۱. از ۱۳۱۴ش تا امروز

پس از احداث خیابان شاپور، ایوان جنوبی در سال ۱۳۱۴ش مرمت شد و بنا در موقعیت جدیدش در کنار خیابان سامان یافت. این اقدامات صورت کلی بنا در این بازه را شکل داد (محسنی ۱۳۲۷، ۱۰۶؛ ایازی ۱۳۷۱، ۴۴۹؛ رضوی و سلیمانی ۱۳۸۴، ۱۷۳) که تا امروز تغییر چندانی نکرده است. توصیف‌های متعدد بنا پس از خیابان‌کشی و نیز نقشه‌ها و تصاویر مربوط به این دوره مؤید ثابت ماندن صورت کلی بنا از ۱۳۱۴ش تا به امروز هستند. در قدیمی‌ترین توصیف محسنی به شبستان، ایوان‌ها، مناره‌ها، حجره‌ها و موقعیت بنا در کنار خیابان پرداخته است (محسنی ۱۳۲۷، ۱۰۶-۱۰۷). پس از او سیف‌الدین اردلان (۱۳۴۹)، ایازی (۱۳۶۰)، احمدی (۱۳۶۲)، کریمیان (۱۳۷۴)، رضوی و سلیمانی (۱۳۸۴) و زارعی (۱۳۸۵الف) توصیف‌های مشابه و گاه دقیق‌تری از بنا نوشته‌اند که مغایرتی با صورت کنونی آن ندارد.

مرمت‌های صورت گرفته در این دوره غالباً در جهت حفظ بنا بوده‌اند؛ به‌ویژه پس از اینکه بنا در سال ۱۳۲۷ش در فهرست آثار ملی ثبت شد. گزارش‌های مرمتی جزئی بودن تغییرات بنا را نشان می‌دهند (اسناد وزارت میراث فرهنگی کشور، پرونده‌های ۳۸۵۷-۳۸۸۴).^۲ از کارهای قابل توجه، ساخت پشت‌بندهای دیوار غربی شبستان (تصویر ۷) احتمالاً در دهه ۳۰ (ژنوری ۱۳۹۵)،^۸ تبدیل حجره کنار فضای سرویس بهداشتی به سرویس بهداشتی زنانه در سال ۱۳۶۰ (اسناد



تصویر ۷: راست: ساخت پشت‌بند‌های دیوار غربی شیبستان در دهه سی (اسناد اداره کل میراث فرهنگی کردستان)،
چپ: صورت امروزی دیوار غربی شیبستان

وزارت میراث فرهنگی کشور، پرونده ۳۸۶۲) و ایجاد گشودگی‌هایی در دیوار فضای شمال شرقی صحن و در انتهای یکی از راهروها، در ارتباط با راهرو ورودی مسجدجامع جدید، در دهه‌های اخیر بود. علاوه بر موارد یادشده تراز صحن و متعلقات آن (حوض و سکوی اطراف حوض) در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۵^۹ حدود ۳۵ سانتی‌متر بالا آمده است.^{۱۰} تصاویر ۸ و ۹ نشان می‌دهند تراز صحن قبلاً پایین‌تر بود. در صورت امروزی بنا نیز شواهدی از تغییر تراز صحن دیده می‌شود (تصویر ۱۰). شایان ذکر است که متناسب با تغییر تراز صحن تراز حوض و سکو نیز بالا آمده است؛ زیرا تراز حوض و سکو در تصویر ۸ با وضعیت امروزی‌شان تفاوتی ندارد.



تصویر ۸: نماز جمعه‌ای در سال ۱۳۳۴؛ کف ایوانچه حدود ۸۰ سانتی‌متر از کف صحن بلندتر بود؛ اختلاف تراز ایوانچه با کف صحن به قدری بوده که سر نمازگزاران داخل صحن کمی پایین‌تر از کمر افرادی است که در ایوانچه به نماز ایستاده‌اند (گازرانی؛ با تصرف نگارندگان).



تصویر ۹: یکی از ایوانچه‌ها در دوره رضاشاه؛ کف ایوانچه حدود ۸۰ سانتی‌متر از کف صحن بلندتر بود (گازرانی؛ با تصرف نگارندگان).



تصویر ۱۰: در صورت امروزی بنا در ابتدای هر راهرو دو پله وجود دارد که بخش عمده اولین پله با تغییر تراز صحن مدفون شده است.

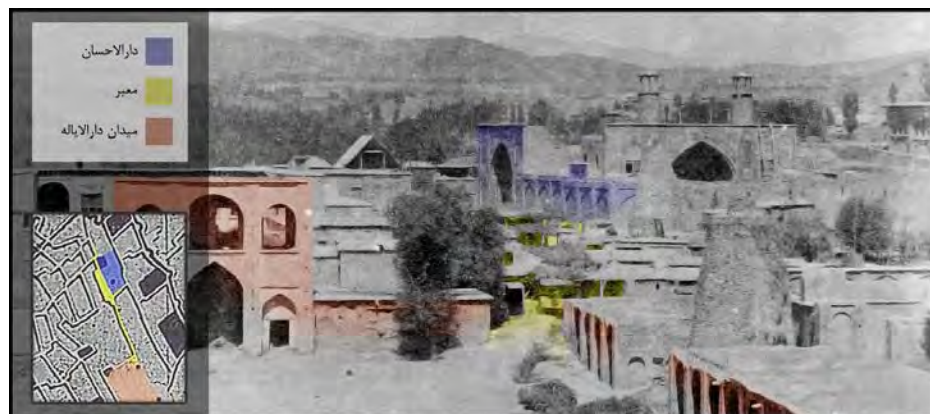
تغییر تراز صحن هر چند تغییری جزئی است، بر کیفیت فضاهای اطراف آن اثرگذار بوده است. پیش‌تر تراز ایوان شرقی بنا، ایوانچه‌ها و راهروهای اطراف آن‌ها همگی حدود هشتاد سانتی‌متر از صحن بلندتر بود. وجود دو پله در ابتدای همه راهروها، که دسترسی از صحن را میسر می‌کرد و امروزه یکی از آن‌ها با بالا آمدن تراز صحن مدفون شده است (تصویر ۱۰)، اهمیت نقش راهروها را در هم‌نشینی با ایوان و ایوانچه‌هایی که ترازشان هشتاد سانتی‌متر از صحن بلندتر بوده است می‌نماید. این موضوع تشابه کامل چینش و نقش ایوان شرقی دارالاحسان و راهروهای دو طرف آن را با آنچه خادم‌زاده و همکارانش ذیل «گونه بومی مساجد» در کردستان به شمار می‌آورند، نشان می‌دهد. این درحالی است که آن‌ها اهمیت و نقش راهروهای دارالاحسان را به هیچ‌وجه قابل مقایسه با راهروهای گونه بومی نمی‌دانند، احتمالاً به این دلیل که در وضعیت کنونی بنا ایوان شرقی راه به شبستان می‌برد و از اهمیت نقش راهروها کاسته است. اما با روشن شدن تغییر تراز صحن، می‌دانیم که کف ایوان شرقی و ایوانچه‌ها بلندتر از آن بوده‌اند که بتوان آن‌ها را فضای حائل عبوری از صحن به فضای شبستان و حجره‌ها در نظر گرفت. بنابراین، راهرو در دارالاحسان، به‌ویژه راهروهای دو طرف ایوان شرقی، از همان اهمیت راهرو در گونه مساجد بومی کردستان برخوردار است و تمام ویژگی‌های آن را دارد؛ از جمله قرارگیری در پیرامون شبستان، داشتن حجره، تأمین دسترسی به شبستان و دسترسی عمودی. در مساجد مولانا، خورشیدلقاخانم، بابای نقشبند، رشید قلعه‌پیگی، دارالامان و میرزا فرج‌الله وزیر در سنج هم راهروهای پله‌دار در مجاورت ایوان با تراز بلند قرار دارند.

۲.۱.۲. از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ش

در سال ۱۳۱۱ش، تخریبی مختصر بر اثر احداث خیابان در قسمت جنوبی بنا اتفاق افتاد و در سال ۱۳۱۴ش جداره جنوبی آن مرمت و متناسب با هم‌جواری‌اش با خیابان سامان‌دهی شد؛ این اقدامات عبارت بود از: ۱. تعمیر و کاشی‌کاری قاب ایوان رو به قبله و پشت‌بغل طاق‌نماهای جداره جنوبی بنا؛ ۲. ساخت چند دهنه مغازه و سامان‌دهی سکوی ورودی متصل به جداره جنوبی متناسب با راستای خیابان.

هر چند در برخی منابع تغییر بخش جنوبی بنا به علت احداث خیابان مورد اشاره قرار گرفته (ایازی ۱۳۷۱، ۴۴۹؛ قصری ۱۳۸۰، ۴۲؛ رضوی و سلیمانی ۱۳۸۴، ۱۷۳)، جزئیات دقیقی از آن ارائه نشده و فقط به مرمت ایوان جنوبی اشاره شده است. در این میان قصری اشاره می‌کند بنا صحنی جنوبی داشت که با احداث خیابان بخشی از آن از بین رفت (قصری ۱۳۸۰، ۴۲). معلوم نیست او خبر را از کجا نقل می‌کند.^{۱۱} بررسی شواهد تاریخی پیش از خیابان‌کشی نشان می‌دهد صحنی که قصری از آن سخن می‌گوید اصلاً وجود نداشته است.^{۱۲} برخی از مورخان قولی را در مورد قصد بانی برای احداث صحنی جنوبی در مجاورت ایوان رو به قبله تکرار کرده‌اند که با مرگ بانی این خواست هیچ‌گاه محقق نشد (سنندجی ۱۳۶۶؛ مردوخ ۱۳۷۹). علاوه بر این، مورخان در توصیف بنا، فقط به همان صحنی اشاره کرده‌اند که امروزه باقی مانده است (مردوخ ۱۳۷۹؛ سنندجی ۱۳۶۶؛ وقایع‌نگار ۱۳۷۹؛ اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸؛ اردلان ۲۵۳۶).

آنچه در سال ۱۳۱۱ش بر اثر خیابان‌کشی از بین رفت، نه صحن جنوبی بلکه بخشی کوچک با سه طاق‌نما بود که در گوشه جنوب شرقی بنا قرار داشت و از حد جداره جنوبی کمی جلوتر بود. تصویری که از بنا در اوایل قرن چهاردهم هجری قمری و پیش از احداث خیابان موجود است (تصویر ۱۱) نشان می‌دهد میدان دارالایاله از طریق معبری دارای



تصویر ۱۱: مسجد دارالاحسان و بخشی از میدان دارالایاله در سال ۱۳۱۱ق (علی‌خان والی، ۲۲۲؛ با تصرف نگارندگان). نقشه سمت چپ همان محدوده را در سال ۱۲۶۷ق نشان می‌دهد (مه‌ریار و دیگران ۱۳۷۸، ۱۹۶؛ با تصرف نگارندگان).

سایه‌بان راه به مسجد می‌برد و جداره جنوبی بنا، که طاق نماهایش پیداست، جداره معبر بود. در بزرگ‌نمایی همین تصویر بخش تخریب‌شده پراثر خیابان‌کشی کاملاً نمایان است که مانع دیده شدن ورودی شده است (تصویر ۱۲). هرچند این تصویر چهل سال پیش از احداث خیابان برداشته شده، برای شناخت وضعیت بنا پیش از خیابان‌کشی قابل اتکا است؛ زیرا در ادامه نشان داده شده است که تنها تغییر بنا در دوره میانی بازسازی مناره‌ها بود (ر.ک: قسمت ۲.۲).



تصویر ۱۲: راست: حجم جلوآمده (قرمز رنگ) مانع دیده شدن ایوان ورودی شده است (علی‌خان والی، ۲۲۲؛ با تصرف نگارندگان)؛ چپ: نقشه بازنمایی شده تصویر راست؛ حجم جلوآمده (شماره ۲) مانع دیده شدن ورودی شده است.

پس از احداث خیابان اقداماتی برای سامان‌دهی بنا در وضعیت جدیدش در کنار خیابان صورت گرفت. همان‌طور که در تصویر ۱۳ مربوط به سال ۱۳۱۵ش نیز مشخص است، ایوان جنوبی و پشت‌بغل طاق‌نماهای کناری کاشی‌کاری شدند و به‌جای حجم تخریب‌شده چند دهنه مغازه ساخته شد که ارتفاعشان کوتاه‌تر از دیوار مسجد است. ساخت سکوی ورودی نیز مربوط به همین دوره بود. شایان ذکر است که مغازه‌ها و سکو موازی با محور خیابان ساخته شدند. پیش‌تر اشاره شد که بنا و خیابان هفت درجه اختلاف زاویه دارند.



تصویر ۱۳: سامان‌دهی جداره جنوبی بنا پس از احداث خیابان با مرمت ایوان جنوبی و ساخت چند دهنه مغازه و سکوی ورودی (شریعتی)

حدود بخش تخریب‌شده پس از طاق‌نمای سمت راست ورودی آغاز می‌شد و تا انتهای شرقی بنا ادامه داشت. شکست دیوار پشت مغازه‌ها در تصویر ۱۳ و نیز در صورت امروزی بنا در تصویر ۱۴ حد ابتدایی حجم تخریبی را می‌نمایاند. امروزه چند دهه از مغازه‌ها از بین رفته‌اند و قسمتی از نمای مسجد بازسازی شده است^{۱۳} (زارعی ۱۳۸۵، ب، ۷۶). با توجه به نشانه‌های باقی‌مانده در بنا و تصاویر قدیمی جداره خارجی بخش تخریب‌شده، قبل از احداث خیابان، بازسازی شده است (ر.ک: تصویر ۳۷ و ۳۸ در جدول ۱)؛ اما سرنخی برای بازسازی فضای داخل آن در دست نیست.



تصویر ۱۴: وضعیت امروزی جداره جنوبی بنا

۲.۲. دوره میانی از ۱۲۳۲ق تا احداث خیابان

در این بازه زمانی هیچ تخریب و الحاقی که تغییری کلی در صورت بنا ایجاد کند، اتفاق نیفتاد. بنا تا چند دهه پس از تأسیس در وضعیت مناسبی قرار داشت، اما پس از گزارش فروریختن برخی از کاشی‌های بنا در سال ۱۲۹۷ق مورخان به صورت پی‌درپی گزارش‌هایی از خرابی در و دیوار بنا ارائه کرده‌اند. به نظر می‌رسد علت این امر خروج تولیت موقوفه‌های بنا از دست متولیان اصلی برای مدتی و اهمال و عدم رسیدگی متولیان به صورت کلی باشد. وضعیت نابسامان بنا در این مدت همچنان ادامه یافت و تنها مرمت قابل توجه بازسازی مناره‌ها در سال‌های پایانی دوره در ۱۳۴۳ق بود.

۲.۲.۱. صورت بنا



تصویر ۱۵: تاریخ تصاویر و توصیف‌های مربوط به دارالاحسان در بازه دوم با ذکر نام مؤلفین

بررسی شواهد تاریخی نشان می‌دهد صورت بنا در بازه میانی تغییر عمده‌ای نکرد و ثابت ماند. تصاویر تاریخی و توصیف‌های متعدد مورخان از بنا در سال‌های مختلف مغایرتی باهم ندارند و فقط در حدود ارائه جزئیات باهم متفاوت‌اند. اولین توصیف دقیق را وقایع‌نگار در سال ۱۳۱۴ق نگاشته و در آن همه فضاهای بنا را - شامل شبستان، ایوان‌ها، مناره‌ها و حجره‌ها - همراه با ذکر جزئیاتی همچون نوع مصالح، کتیبه‌ها و تعداد اجزا معرفی کرده است (وقایع‌نگار ۱۳۷۹،

۳۱-۳۲). پس از او، سندنجدی در سال ۱۳۱۹ق و مردوخ در فاصله سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۱ق - کمی پیش از احداث خیابان - توصیف‌های مشابهی از بنا نوشته‌اند. پیش از آن‌ها نیز اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۷ق و اردلان در سال ۱۲۴۹ق همه اجزای اصلی بنا یعنی شبستان، ایوان‌ها، حجره‌ها و مناره‌ها را برشمردند. تصاویر تاریخ‌دار باقی‌مانده از بنا - دو تصویر مربوط به سال ۱۲۷۵ق از آق‌رضا اقبال‌السلطنه (اسناد اداره کل میراث فرهنگی کردستان) و چهار تصویر از سال ۱۳۱۲ق (علی‌خان والی بی‌تا، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۳ و ۲۳۷) - ضمن اینکه خوانش توصیف‌ها را دقت می‌بخشند، تفاوتی باهم ندارند و نشان می‌دهند که کلیت بنا در بازه میانی بدون تغییر عمده بود و ثابت ماند.

۲.۲.۲. وضعیت بنا و موقوفه‌های آن

به نظر می‌رسد تا دهه‌های اول پس از تأسیس، بنا استوار بود و وضعیت ظاهری مناسبی داشت. اردلان و مستوره به ترتیب در سال‌های ۱۲۴۹ق و ۱۲۶۲ق ضمن تمجید از امان‌الله‌خان برای اقدامات عمرانی متعددش در کردستان و برشمردن و توصیف بناهای احداثی او، به بنای دارالاحسان نیز اشاره کرده‌اند (اردلان ۲۵۳۶، ۹۳-۹۴؛ مستوره ۱۳۳۲، ۱۶۹-۱۷۱). مستوره آن را «برابر مسجدالاقصی» و «همسر بیت‌المعمور» می‌نامد (مستوره ۱۳۳۲، ۱۷۰). وضعیت ظاهری بنا تا سال ۱۲۷۵ق - زمان سفر ناصرالدین‌شاه به سنج - همچنان خوب و مناسب بود. ناصرالدین‌شاه در ده روز اقامتش در سنج به بازدید مسجد دارالاحسان و عمارات داخل قلعه حکومتی رفت، به وضعیت نابسامان و خرابی عمارت‌های قلعه به غلامشاه‌خان والی، نوه امان‌الله‌خان، خرده گرفت و سالانه مبلغ هزار تومان را برای تعمیر آن‌ها اختصاص داد و والی را به نگهداری و حفظ آثار اجدادش تشویق کرد (صداقت کیش ۱۳۹۰، ۵۳-۵۴؛ وقایع‌نگار ۱۳۷۹، ۱۳۵؛ سندنجدی ۱۳۶۶، ۲۶۳؛ مردوخ ۱۳۷۹، ۱۸۳). ظاهراً شاه در بازدید از دارالاحسان واکنش متفاوتی داشت و از بانی آن تمجید کرد (سندنجدی ۱۳۶۶، ۲۶۳) که می‌تواند نشانگر وضعیت بسامان بنا در این سال باشد.

پس از مدتی به تدریج خرابی‌هایی در بنا نمایان شد. با گذر زمان، دامنه این خرابی‌ها از فروریزی برخی از کاشی‌ها در سال ۱۲۹۷ق (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ۲۰۳۳) فراتر رفت و به خرابی در و دیوار بنا (وقایع‌نگار ۱۳۷۹، ۳۲) و تخریب مناره‌ها تا سال ۱۳۴۳ق (مردوخ ۱۳۷۹، ۵۹) رسید. وخامت وضع بنا در پایان این دوره را از آنجا می‌توان فهمید که مردوخ اشعار برخی از کتیبه‌های تأسیس بنا را برای حفظ صنعت شاعران و از بیم از بین رفتن بنا در کتابش نگاشته است (همان). به نظر می‌رسد علت بروز خرابی‌های بنا خارج شدن تولیت موقوفه‌های آن از دست متولیان اصلی بود که به سوءاستفاده از مال وقف و عدم رسیدگی به بنا منجر شد. مطابق وقف‌نامه بنا که در سال ۱۲۳۴ق تنظیم شده، امان‌الله‌خان اردلان بانی شش دانگ روستای خلیجیان، در شمال شهر سنج، از آب و زمین و باغ‌های مو و سردختی و... را وقف بر مسجد و مدرسه دارالاحسان کرد، برای صرف حوائج و طلبه و مدرس و خدمه و مؤذن. او تولیت آن را مادام‌الحیاه نخست به خود و سپس به ارشد و عقل اولاد خود، نسل پس از نسل موکول کرد (بی‌تا ۱۳۷۴).

برای چند دهه تولیت موقوفه‌ها، برخلاف آنچه در وقف‌نامه توصیه شده بود، از دست خاندان اردلان خارج شد و میان خاندان مردوخ و شیخ‌الاسلام (از خاندان‌های صاحب نام و قدرت در کردستان) دست‌به‌دست شد؛ از جمله ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام (سندنجدی ۱۳۶۶، ۱۵)، ملا عبدالرزاق شیخ‌الاسلام (دیوان‌بیگی ۱۳۸۲، ۲۳۴)، ملا ابراهیم شیخ‌الاسلام (سندنجدی ۱۳۶۶، ۱۵؛ مردوخ ۱۳۷۹، ۲۴۷) و خانواده حجت‌الاسلام (دیوان‌بیگی ۱۳۸۲، ۲۳۴؛ مردوخ ۱۳۷۹، ۲۴۷). احتمالاً این اتفاق پس از پایان حکومت اردلان‌ها در ۱۲۸۴ق و افول قدرت آن‌ها آغاز شد. خروج تولیت از دست متولیان اصلی موجب شکل‌گیری رقابتی برای به دست گرفتن تولیت بنا شد. صاحبان قدرت از واگذاری تولیت آن به افراد همچون یک امتیاز برای جلب نظر آنان استفاده کردند (دیوان‌بیگی ۱۳۸۲، ۲۳۴؛ سندنجدی ۱۳۶۶، ۱۵؛ مردوخ ۱۳۷۹، ۲۴۸). متعاقباً به نظر می‌رسد متولیان نیز درآمد حاصل از موقوفه‌ها را صرف تعمیر بنا نکرده و به مصارف شخصی رسانده باشند (وقایع‌نگار ۱۳۷۹، ۳۲؛ سندنجدی ۱۳۶۶، ۱۴).

تا زمانی که این شرایط حاکم بود، مرمت قابل توجهی در بنا صورت نگرفت. وقایع‌نگار کردستانی اشاره می‌کند از ابتدای بنای مسجد تا آن زمان (۱۳۱۴ق) - به مدت ۸۷ سال - به‌هیچ‌وجه تعمیری در بنا صورت نگرفته بود (وقایع‌نگار ۱۳۷۹، ۳۲). چهار سال پس از او - در سال ۱۳۱۹ق - سندنجدی از مرمتی جزئی در زمان تولیت ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام

یاد کرده و از تصمیم ملا ابراهیم برای مرمت بیشتر خبر داده است:

«تولیت این مسجد چندی با مرحوم ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام بود. فی‌الجمله تعمیری از آن به عمل آورد و خیال داشت که تعمیر کافی از تمام مسجد بنماید؛ اجل او را مهلت نداد. حالا هم ملا ابراهیم امین‌الاسلام - نواده مرحوم شیخ‌الاسلام - مصمم است تعمیر خوبی از آن بنماید. خداوند او را به انجام این نیت موفق فرماید» (سنندجی ۱۳۶۶، ۱۵).

هرچند روشن نیست شیخ‌الاسلام چه قسمتی از بنا را مرمت کرد، هرچه که بود، مختصر و جزئی بود. احتمالاً امین‌الاسلام هم تصمیم خود را برای مرمت بنا عملی نکرد؛ زیرا براساس کتیبه ایوان شرقی در سال ۱۳۲۶ق، به علت وضعیت نامناسب بنا و رسیدگی نکردن متولیان، تولیت موقوفه‌ها به دستور ظفرالسلطنه به خاندان اردلان بازگشت. در این کتیبه وضعیت بنا - کمی مبالغه‌آمیز - این‌گونه توصیف شده است: «به‌واسطه عدم مراقبت متولیان خرابی و انهدام یافته».

ظاهراً پس از بازگشت تولیت به خاندان اردلان در سال ۱۳۲۶ق نیز تغییر چندانی در وضعیت بنا و رویه تولیت موقوفه‌ها در جهت احقاق توصیه واقف ایجاد نشد. مردوخ در فاصله سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۱ق همچنان به وضعیت نابسامان بنا و نرسیدگی متولیان به آن اشاره می‌کند. هزینه تنها مرمت این بازه، بازسازی مناره‌ها، که در سال ۱۳۴۳ انجام شد، نه از درآمد موقوفه‌ها بلکه از میان مردم جمع‌آوری شد (سلیم ۱۳۹۲، ۲۳۲؛ مردوخ ۱۳۷۹، ۵۹). مناره‌های جدید به‌وسیله استاد الله‌مراد بنا و استاد حبیب‌الله نجار ساخته شد که بزرگ‌تر و بلندتر از مناره‌های اولیه بودند (سلیم ۱۳۹۲، ۲۳۲). کتیبه آن بر مناره جنوبی باقی مانده است.

۳.۲. دوره ساخت (۱۲۲۶-۱۲۳۲ق)

در این بازه زمانی کوتاه (۷ سال) بنا به‌صورت مداوم به‌لحاظ مختلف تغییر کرد؛ عنوان و جایگاه آن عوض شد، به تزیینات آن افزوده شد و در آن تخریب، بازسازی و الحاق اتفاق افتاد. به‌جز تعداد بسیار زیاد کتیبه‌های قرآنی تعداد ۹ کتیبه دیگر مربوط به تأسیس، تکمیل و ساخت قسمت‌های مختلف بنا موجود است که به کمک آن‌ها می‌توان تغییرات بنا را در این دوره نشان داد. با بررسی محتوای آن‌ها، محل قرارگیری شان و نسبتی که با معماری بنا دارند، تاریخ و تقدم و تأخر ساخت برخی از فضاها مشخص شده است. تقسیم‌بندی تغییرات بنا براساس انتخاب عنوان «دارالاحسان» و سپس تغییر جایگاه بنا به مسجد جامع شهر درک بهتر و روایت منسجم‌تری از تغییرات به دست داده و بر این اساس سه بازه تعریف شده است.

۳.۲.۱. «مسجد و مدرسه» امان‌الله خان والی: بازه اول (۱۲۲۶-۱۲۲۷ق)

در این بازه بنا مسجد و مدرسه‌ای بود که با نسبتش با امان‌الله خان والی معرفی می‌شد. در کتیبه‌های این بازه بنا «مسجد و مدرس امان‌الله خان»، «مسجد والای امان‌الله خان و مدرسه والی عهد»، «المسجد المبارک الشریف و المدرس العالی المنیف» نامیده شده است. ساخت بنا از ۱۲۲۶ آغاز شد، کلیت آن در همان سال پایان یافت و تکمیل درگاه آن - و شاید برخی اجزای دیگر - تا سال ۱۲۲۷ طول کشید. به‌طور مشخص دستگاه ورودی، ایوان شرقی و مناره‌ها (پیش از بازسازی‌شان در ۱۳۴۳ق) مربوط به این بازه هستند. صحن و حجره‌ها نیز احتمالاً در همین دوره ساخته شدند. هرچند کتیبه‌ها از وجود مسجد (شبهستان) هم خبر داده‌اند، کمکی به روشن شدن صورت آن در این دوره نمی‌کنند.

کتیبه مناره شمالی شعری از ناطق اصفهانی است که بر لوحی سنگی نقر شده است و خبر از بنا نهادن مسجد در سال ۱۲۲۶ق و پایان ساخت مناره‌ها در همین سال می‌دهد.^{۱۴} از آنجاکه مناره‌ها بر جرزهای ایوان شرقی مسجد بنا شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که ایوان شرقی در همان سال تأسیس بنا ساخته شد.

سردر ورودی نیز مربوط به سال ۱۲۲۶ق است. کتیبه عربی که برای احداث بنا در سال ۱۲۲۶ق بر روی کاشی نگاشته شده^{۱۵} در سردر ورودی به صورت نواری نصب شده است. طول این کتیبه نواری به‌میزانی است که بدون کم‌وکاست در سه جرز سردر ورودی جا شده است (تصویر ۱۶)؛ این نشان می‌دهد بستر نصب کتیبه - یعنی سردر - احتمالاً در این سال ساخته و کتیبه متناسب با اندازه آن طراحی شده است.



تصویر ۱۶: کتیبه عربی سال ۱۲۲۶ و کتیبه سنگی بالای آن در سردر ورودی

هرچند کتیبه سنگی بالای کتیبه عربی در سردر ورودی برای پایان ساخت بنا در سال ۱۲۲۶ ق ساخته شده^{۱۶} (تصویر ۱۶) است، برخی از کارهای ساختمانی آن تا سال ۱۲۲۷ ق به درازا انجامید؛ زیرا کتیبه دیگری که به صورت نواری بر سه جرز ایوان ورودی در داخل صحن نصب شده، برای اتمام ساخت درگاه آن در سال ۱۲۲۷ ق ساخته شده است^{۱۷} (تصویر ۱۷).



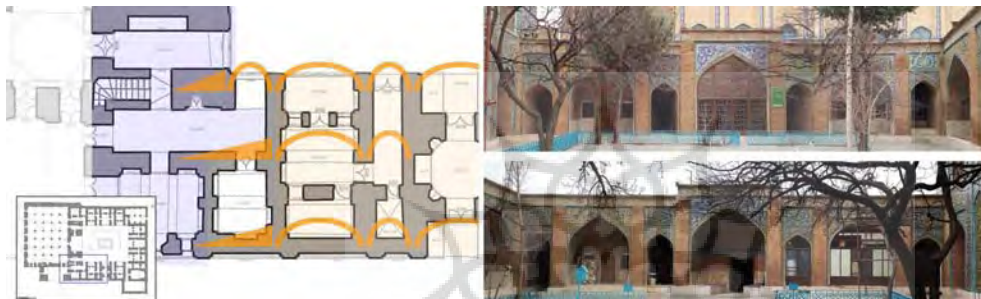
تصویر ۱۷: کتیبه شعری سال ۱۲۲۷ در ایوان ورودی در داخل صحن

پس با توجه به محتوا و محل قرارگیری کتیبه‌های مربوط به این بازه زمانی به‌طور مشخص دستگاه ورودی، ایوان شرقی مسجد و مناره‌های آن در این سال‌ها ساخته شده‌اند. دستگاه ورودی و ایوان شرقی مسجد در وسط نماهای غربی و جنوبی صحن قرار گرفته‌اند، نظم صحن را تعریف کرده و خود با آن انتظام یافته‌اند (تصویر ۱۸، راست). از آنجاکه هیچ اطلاعاتی در مورد صورت باقی فضاهای اطراف صحن در هیچ‌یک از کتیبه‌ها وجود ندارد، تاریخ ساخت آن‌ها مبتنی بر میزان هماهنگی‌شان با اجزای تاریخ‌دار (ورودی و ایوان شرقی) بررسی شده است.^{۱۸} بر این اساس احتمالاً به‌جز فضاهای دو گوشه شمال شرقی و جنوب شرقی صحن ساخت باقی فضاهای مربوط به این بازه زمانی است.



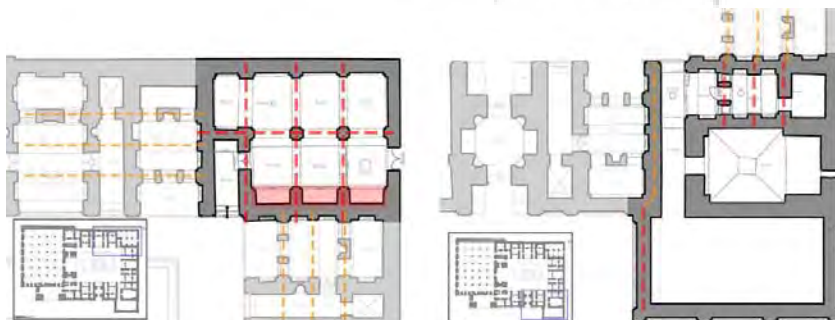
تصویر ۱۸: راست: دستگاه ورودی و ایوان غربی نظم صحن را تعریف کرده و خود با آن سامان یافته‌اند؛ چپ: هماهنگی فضاهای اطراف صحن با دستگاه ورودی و ایوان غربی صحن

مدرس و حجره‌هایی که در سه ضلع شمالی، شرقی و جنوبی صحن قرار دارند، به لحاظ سازه‌ای، کاملاً با یکدیگر و با ورودی هماهنگ‌اند. سقف این فضاها از طاق‌های کجاوه متوالی تشکیل شده و سقف راهروهای بین آن‌ها از طاق آهنگ است، که به طاق چهاربخش کوچکی ختم می‌شود. تقسیم سازه سقف در مدرس، حجره‌ها و راهروها به گونه‌ای است که تویزه‌ها در امتداد هم قرار گرفته‌اند. نیروی رانشی هر طاق از طریق تویزه‌ها به طاق‌های مجاور منتقل می‌شود تا به فضاهای کناری برسد (تصویر ۱۸، چپ). این هماهنگی سازه‌ای در تقسیم فضاها منعکس شده است؛ نقشه حجره‌ها و مدرس از الگوی مشخصی پیروی می‌کنند. نظم نقشه این اجزا در نماها هم منعکس شده است (تصویر ۱۹، راست). دستگاه ورودی کاملاً در این نظم جا گرفته و با آن هماهنگ است، ابعاد و اندازه‌ای متناسب با حجره‌ها دارد و جزئیات آن در محل امتداد تویزه‌ها قرار گرفته است. متناسب با ارتفاع آن، در نمای شمالی صحن، قاب مدرس بلندتر از حجره‌هاست. قاب حجره میانی در ضلع شرقی صحن نیز، متناسب با ایوان روبه‌رویش، بلندتر از حجره‌های دو طرفش است.



تصویر ۱۹: راست: نمای شمالی (بالا) و جنوبی صحن (پایین)؛ چپ: اتصال حساب‌شده بال جنوبی و غربی صحن

در بال غربی صحن، راهروها و حجره‌های کوچک کاملاً به صورت قریبه در دو طرف ایوان قرار گرفته‌اند و به لحاظ سازه‌ای هماهنگی کامل با آن دارند (تصویر ۱۸، چپ). مناره‌ها بخشی از نیروی رانش ایوان را کنترل می‌کنند و راهروها - که با طاق آهنگ پوشیده شده‌اند - رانش باقی‌مانده را به حجره‌ها و در نهایت به زمین می‌رسانند. نحوه اتصال دو بال شمالی و جنوبی صحن به بال شرقی مشابه هم و به لحاظ سازه‌ای بسیار حساب‌شده است (تصویر ۱۹، چپ)؛ امتداد تویزه حجره‌ها در ضلع شمالی و جنوبی به جزئیاتی در همان جهت می‌رسد و نیروی رانشی آن‌ها به زمین منتقل می‌شود. فضاهای گوشه جنوب شرقی و شمال شرقی صحن در نظم مذکور جا نمی‌گیرند (تصویر ۲۰). برخلاف سایر فضاها هیچ‌یک از تویزه‌های این دو بخش در امتداد تویزه‌های فضاهای کناری شان نیستند. به لحاظ نماسازی (تصویر ۲۱) و تناسبات نیز ناهماهنگی‌هایی میان این دو بخش با سایر فضاها وجود دارد. این شواهد نشان می‌دهد این فضاها - نسبت به صورت اولیه‌شان در این دوره - تغییر کرده‌اند، اما سرنخی برای بررسی صورت اصیل آن‌ها موجود نیست.

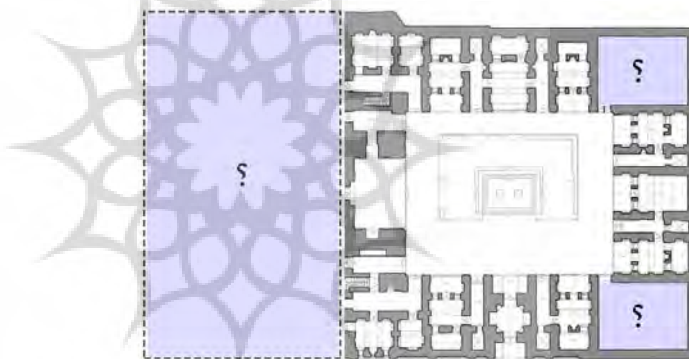


تصویر ۲۰: راست: فضای جنوب شرقی صحن (شامل راهرو، حجره، سرویس بهداشتی و بخش تخریبی) ناهماهنگی‌هایی با سایر فضاها دارد؛ تویزه‌های آن در امتداد تویزه‌های فضاهای کناری نیست، تناسبات و نمای حجره این بخش با سایر حجره‌ها متفاوت است؛ چپ: فضای شمال شرقی صحن؛ تویزه‌های آن در امتداد تویزه‌های کناری نیستند.



تصویر ۲۱: جداره شرقی بنا؛ نمای بخش تخریب‌شده با نمای بقیه جداره متفاوت و دارای طاق نما بود؛ بخش پنهان طاق نما با خطوط قرمز رنگ رسم شده است (علی‌خان والی بی‌تا، ۲۲۲؛ با تصرف نگارندگان).

تصویر ۲۲ بخش‌هایی از بنا را نشان می‌دهد که به احتمال زیاد مربوط به بازه اول هستند. با تکیه بر کتیبه‌ها روشن است بنا از ابتدا مسجد و مدرسه بود؛ یعنی علاوه بر صحن و حجره‌های اطراف آن، بخشی به عنوان مسجد هم وجود داشت، اما صورت آن نامشخص است. کتیبه‌های دوره بعدی کمک می‌کنند اطلاعاتی در مورد شبستان به دست آوریم.



تصویر ۲۲: فضاهایی که به احتمال زیاد در بازه اول وجود داشت؛ وضعیت نواحی آبی‌رنگ مجهول است.

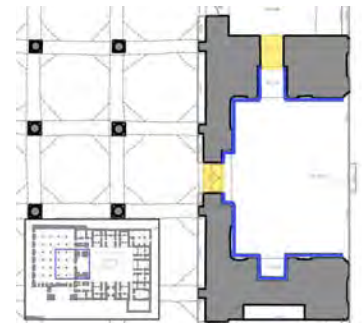
۲.۳.۲. مسجد و مدرسه «دارالاحسان»: بازه دوم (۱۲۲۷-۱۲۲۸ق)

در این بازه بسیار بر وجه علمی و آموزشی بنا تأکید شد و در ارتباط با آن بنا «مسجد و مدرسه دارالاحسان» نام گرفت. وجه تسمیه آن در کتیبه آزاره ایوان جنوبی مسجد این‌گونه بیان شده است: «دارالاحسانش مسما شد که بنای ازل کسوتی ز احسان او آورد بر بالای علم». ردیف این شعر واژه «علم» است که در تمام ۳۱ بیت آن تکرار شده است. محتوای شعر نیز بسیار به وجه علمی و آموزشی بنا پرداخته است: «دارالاحسان شد بنا و شد بجا مأوای علم». در شعر پیش‌نویس این کتیبه و شعر دیگری که شاعر (ناطق اصفهانی) به همین منظور سروده است،^{۱۹} به انتخاب شیخ محمدسعید مردوخ - از علمای نامدار آن اوان کردستان - در سمت تدریس در دارالاحسان اشاره شده است. ظاهراً یکی از انگیزه‌های امان‌الله‌خان از بنای دارالاحسان، ساخت بنای آموزشی معتبری بود که مرکز تجمع اصلی علمای دینی کردستان باشد، چون پیش از آن طلاب شافعی‌مذهب کردستان اردلان (حدود امروزی استان کردستان) برای تکمیل تحصیلات دینی‌شان مجبور بودند به خاک عثمانی بروند (Alizadeh 2004, 120). از این پس، دارالاحسان یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی غرب ایران در منطقه به شمار می‌آمد و موجب شد شهر سنندج در دوره قاجاریان لقب «دارالعلم» بگیرد (وقایع‌نگار ۱۳۷۹، ۳۲؛ سنندجی ۱۳۶۶، ۱۴). عالمان نامدار بسیاری در این بنا تدریس و شاعران و نویسندگان متعددی در آن کسب علم کردند.

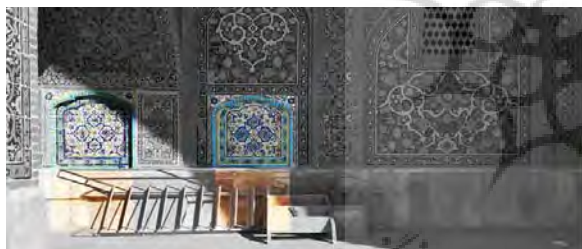
مبتنی بر کتیبه‌ها - یکی در ازاره ایوان شرقی و دیگری در ازاره ایوان جنوبی مسجد - اقدامات مربوط به این دوره از سال ۱۲۲۷ آغاز شد و در سال ۱۲۲۸ اتمام یافت. هرچند می‌دانیم بنا در سال ۱۲۲۶ بنیان نهاده شد، در این کتیبه‌ها سال ۱۲۲۷ به عنوان سال بنیان / سال بنای دارالاحسان نامیده شده است. به نظر می‌رسد اقدامات ویژه این بازه مورد نظر بوده که متضمن تأکید بر وجه آموزشی بنا و انتخاب عنوان دارالاحسان در همین رابطه است. دقیقاً مشخص نیست که چه تغییری در کالبد بنا ایجاد شده است، اما به یقین بر تزیینات آن افزوده‌اند. ازاره‌های هر دو ایوان که اشعار میرزا خرم کردستانی و میرزا ناطق اصفهانی بر حاشیه آن‌ها به خط نستعلیق نقر شده، مربوط به این دوره است.

از کتیبه‌ها می‌توان اطلاعاتی درباره صورت هر دو ایوان و شبستان در این بازه به دست آورد. نقشه ایوان شرقی همان بوده که امروزه باقی مانده است. کتیبه شعری از خرم کردستانی مربوط به سال ۱۲۲۸ ق بر حاشیه بالایی ازاره‌های مرمی ایوان نقر شده است. محتوای شعر کامل و توالی ابیات درست است. طراحی حاشیه‌ها متناسب با محل قرارگیری ازاره‌ها صورت گرفته و در طراحی آن به وجود گشودگی ایوان به شبستان و راهرو شمالی (دو بخش زردرنگ در تصویر ۲۳) توجه شده است.

نقشه ایوان جنوبی مسجد در این دوره، تفاوت مختصر اما مهمی با صورت متأخر آن دارد: قبلاً دو درگاه دیگر در جزر آن به سمت شبستان وجود داشته که بعداً پر شده است. مشابه آنچه در مورد ایوان شرقی بررسی شد، بر حاشیه بالایی ازاره‌های ایوان جنوبی نیز شعری از ناطق اصفهانی (۱۲۲۷ ق) دورتادور نقر شده است، مگر در دو قسمت که ازاره‌ها ساده و بدون کتیبه‌اند. در این کتیبه نیز محتوای شعر کامل و توالی ابیات درست است و در طراحی آن به وجود گشودگی‌ها توجه شده است (تصویر ۲۴، راست). بالای ازاره‌های ساده دو طاق نما دقیقاً به قرینه درهایی قرار دارند که به شبستان باز می‌شوند (تصویر ۲۴، چپ).



تصویر ۲۳: محل قرارگیری کتیبه شعری سال ۱۲۲۸ در ازاره ایوان شرقی که به رنگ آبی مشخص شده است.

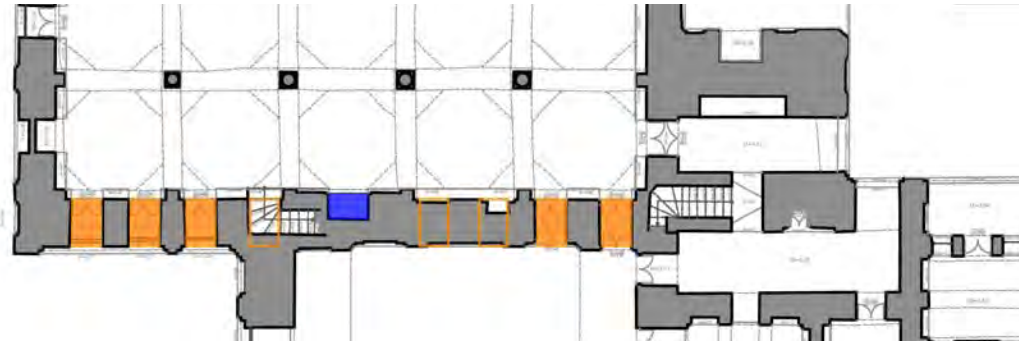


تصویر ۲۴: راست: کتیبه ازاره ایوان جنوبی دورتادور بر جزه‌های ایوان ادامه یافته است؛ در دو قسمت نارنجی‌رنگ ازاره‌ها کتیبه ندارند؛ چپ: دو طاق نما با ازاره بدون کتیبه



در تصویر ۲۵ که محراب مسجد را پشت به پشت طاق نماهای مذکور نشان می‌دهد، بخشی از پرداخت گچی ریخته و دقیقاً در محل یکی از طاق نماها طاق درگاهی نمایان شده است. روشن است که در سال ۱۲۲۷ ق در محل طاق نماهای مذکور و در جای محراب فعلی دو درگاه میان ایوان و شبستان قرار داشت که بعداً با آجر پر شد. به طبع محراب نیز در جای دیگری قرار داشت.

محل محراب اولیه بر جزر جنوبی شبستان در امتداد دهانه دوم ستون‌ها و در امتداد محور ایوان جنوبی قرار داشت. بسیاری از دیوارهای قبله در مساجد تاریخی کردستان الگوی مشخص و مشابهی دارند. در این الگو، محراب در وسط قرار می‌گیرد و بازشوهایی به صورت قرینه در دو طرف آن هستند (زارعی ۱۳۹۴، ۱۸-۱۹). در صورت کنونی دارالاحسان همان الگوی دیوار قبله به صورت نامتقارن وجود دارد (تصویر ۲۶). محراب اولیه در این بازه زمانی نیز وضعیت مشابهی داشته است. در وسط جزر شمالی ایوان، جایی که درگاه‌ها به صورت قرینه در دو طرف آن قرار داشته‌اند، مشبکی وجود دارد که در آن طرف جزر - در داخل شبستان - اثری از آن دیده نمی‌شود (تصویر ۲۷). در تصویرهایی که از فضای پشت مشبک برداشته شد، هنوز قسمتی از دیوارها و سقف گچ‌کاری شده محراب اولیه باقی مانده که از سمت شبستان با آجر مسدود و تا میانه پر شده است (تصویر ۲۸).



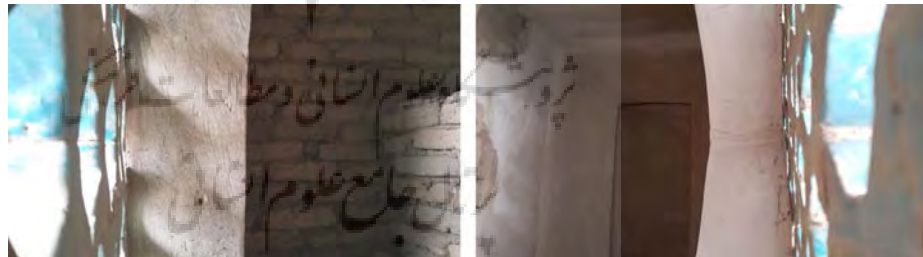
تصویر ۲۶: الگوی دیوار قبله در وضعیت کنونی بنا؛ محراب در وسط و بازشوها در دو طرف آن قرار دارند.



تصویر ۲۵: طاق درگاه در محراب مسجد (اسناد اداره کل میراث فرهنگی کردستان؛ با تصرف نگارندگان)



تصویر ۲۷: نمای ایوان رو به قبله؛ در وسط این نما مشبکی وجود دارد که در فضای داخل شبستان اثری از آن نیست.



تصویر ۲۸: محراب مدفون واقع در پشت مشبک؛ در ۱۲۲۷ق محراب مسجد اینجا بوده است.

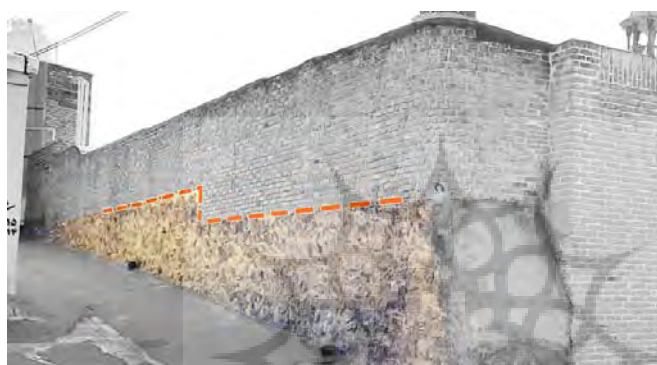
نظم دیوار قبله در این بازه نشان می‌دهد که شبستان در ابتدا وضعیت متفاوتی داشت و کوچک‌تر بود. محراب و درهای دو طرف آن نسبت درستی با دو ردیف شرقی ستون‌ها در شبستان دارند (تصویر ۲۹). به نظر می‌رسد در ابتدا شبستان دو ردیف ستون داشت که پس از گسترش جای محراب تغییر کرد و دیوار قبله با وضعیت جدید سامان یافت. به عبارتی در صورت ابتدایی بنا دیوار غربی شبستان در جای ردیف سوم ستون‌ها قرار داشت. به جز نظم دیوار قبله شواهد دیگری برای این مدعا در بنا موجود است. در نمای بیرونی جرز غربی ایوان طاق‌نمایی وجود دارد که بخشی از آن زیر جرز جنوبی شبستان دفن شده است (تصویر ۳۰). روشن است که جرز غربی ایوان در جهت شمال امتداد داشت و جرز جنوبی شبستان در مقطعی زمانی پس از آن ساخته شد. همچنین در دیوار شمالی شبستان نیز، در محلی که گمان می‌رود حدود انتهایی شبستان قبلی بوده، ارتفاع دیوار سنگ‌چین تغییر کرده است^{۳۳} (تصویر ۳۱).



تصویر ۳۰: محل اتصال دیوار غربی ایوان و دیوار جنوبی شبستان



تصویر ۲۹: دو ردیف شرقی ستون‌های شبستان هماهنگ با وضع دیوار قبله در سال ۱۲۲۷ هستند.



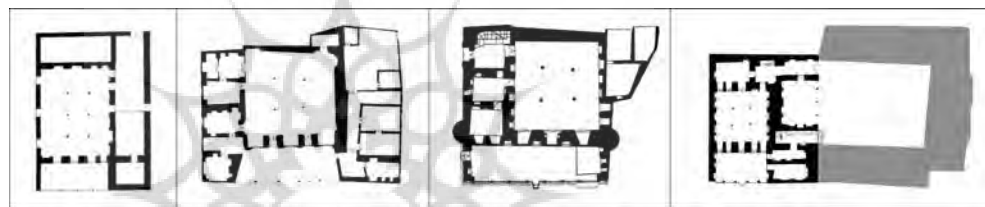
تصویر ۳۱: دیوار شمالی شبستان؛ ارتفاع بخش سنگ‌چین آن تغییر کرده است.

احتمال وجود شواهد دیگر این تغییر در سقف، کف، دیوارها و ستون‌های شبستان بررسی شد. کف شبستان با لایه‌ای یکدست از سیمان و بام آن با عایق پوشیده شده است و نشان این تغییر، در این قسمت‌ها، قابل پیگیری نیست. علاوه بر این آجر نمای دیوارهای شبستان تعویض شده و آثار احتمالی گسترش در آن‌ها از بین رفته است. با توجه به گسترش شبستان شاید تصور کنیم تفاوتی بین ستون‌های شرقی و غربی وجود دارد؛ اما ردیف ستون‌ها مشابه هم‌اند و جزئیاتشان هماهنگ با شبستان طراحی شده است.

با توجه به شباهت همه‌جانبه ستون‌ها شاید این حدس به وجود آید که گسترش شبستان متناسب با وضعیت پیش از تغییر صورت گرفته باشد؛ یعنی باید دیوار غربی شبستان تخریب شده، و دو ردیف ستون مانند ستون‌های شبستان اولیه، از جانب غربی به شبستان افزوده شده باشد، که یک ردیف از آن‌ها در جای دیوار تخریب‌شده قرار بگیرد. جایگزین کردن ستون‌های جدید به جای دیوار - که نیروی وزن و رانش طاق‌های سقف را تحمل می‌کند - کار بسیار مشکلی است و به احتمال زیاد تخریب پوشش سقف و حتی کل شبستان را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، همان‌طور که در تصویر ۳۰ پیداست، تناسب طاق‌نماهای دیوار شبستان و دیوار ایوان باهم متفاوت و ناهماهنگ‌اند. اگر گسترش شبستان متناسب با شبستان اولیه صورت گرفته بود، به احتمال زیاد میان طاق‌نماهای مذکور، دست‌کم به لحاظ ارتفاع، باید نسبت درستی وجود داشت؛ زیرا طاق‌نماهای جرز ایوان مربوط به قبل از تغییر شبستان هستند و به احتمال زیاد با نمای دیوار شبستان اولیه هماهنگ بوده‌اند. از این‌رو فرضیه گسترش شبستان متناسب با شبستان اولیه نادرست است.

با این توصیف به نظر می‌رسد شبستان از نو ساخته شده باشد؛ یعنی شبستان قبلی را تخریب کرده و شبستان جدید را به جای آن ساخته باشند. انسجام طرح شبستان پس از گسترش، یعنی هماهنگی طرح ستون‌ها باهم و با جرزهای شبستان و نسبت دقیق کتیبه‌ها با طرح شبستان درست بودن این فرضیه را نشان می‌دهد (به قسمت ۲.۳.۳ مراجعه کنید). به علاوه، مبتنی بر مقایسه طاق‌نماهای جرز ایوان و شبستان (تصویر ۳۰)، به نظر می‌رسد شبستان جدید بلندتر از شبستان اولیه ساخته شده است.

روشن شدن وضعیت ایوان جنوبی بنا در سال ۱۲۲۷ق نشان می‌دهد فرضیه کریمیان و زارعی مبنی بر ناتمام ماندن بنا از جانب ایوان جنوبی به دلیل مرگ بانی نادرست است. ایوان جنوبی از اجزای قدیمی و بخشی از صورت اصیل بناست که کلیت آن در طول تغییرات دوره ساخت و تا به امروز ثابت مانده است. به علاوه، امان‌الله‌خان - بانی دارالاحسان - تا سال ۱۲۴۰ق یعنی هشت سال پس از دوره ساخت در قید حیات و همچنان در قدرت بود.^{۳۳} این فرضیه تنها مبتنی بر قول دو تن از مورخان - سنندجی و مردوخ - شکل گرفته است که ساخت بنا را به چشم خود ندیده و با آن فاصله زمانی قابل توجهی داشته‌اند؛^{۳۴} در حالی که مورخان متعدد قبل از آن‌ها - حتی مستوره کردستانی که معاصر امان‌الله‌خان بود - هیچ مطلبی در این مورد نگاشته‌اند. در مقابل، وضعیت این ایوان و نسبت آن با شبستان و معبر در سال ۱۲۲۷ق (تصویر ۳۶ در جدول ۱) نظر خادم‌زاده و همکارانش را، مبنی بر شباهت ایوان جنوبی دارالاحسان با ایوان جنوبی مساجد بومی کردستان، به صورت دقیق‌تر تأیید می‌کند. بر این اساس شبستان دارالاحسان در صورت اصیل بنا از طریق بازشوهای دو طرف محراب به ایوان جنوبی راه می‌برد که در تراز بالاتری نسبت به معبر و در کنار آن قرار دارد. این وضعیت بسیار شبیه وضعیت ایوان جنوبی در مسجد میرزا فرح‌الله وزیر در سنندج، مساجد دومناره و شیخ مظهر در سقر و مسجدجامع روستای ترجان است.



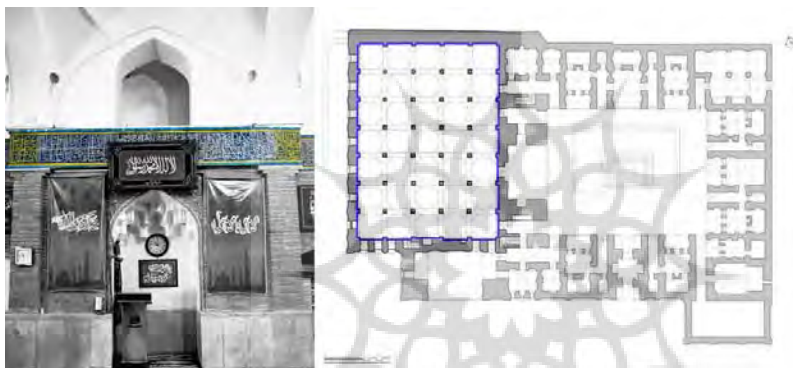
تصویر ۳۲: به ترتیب از راست به چپ نقشه مساجد میرزا فرح‌الله وزیر (با تصرف نگارندگان)، دومناره، شیخ مظهر و ترجان (اسناد اداره کل میراث فرهنگی کردستان)

۳.۳.۲. مسجدجامع سنندج: بازه سوم (۱۲۲۹-۱۲۳۲ق)

در این بازه، بنا مسجدجامع شهر شد. در کتیبه عربی سال ۱۲۲۹ق برای اولین بار بنا «جامع» نامیده شده^{۳۵} و در آن فقط وجه عبادی بنا مورد توجه قرار گرفته است: «فصلوا فیه و اتلوا فیه قرآنًا و اذکارًا». بالای این کتیبه در شاپرک‌های کاربندی ایوان جنوبی آیه ۱۸ سوره جن^{۳۶} و دو حدیث^{۳۷} همگی در مورد ساخت مسجد و پرستش خداوند در مسجد نگاشته شده است. تقریباً همه کتیبه‌های قرآنی در ایوان‌ها و داخل شبستان در این بازه زمانی ساخته شده‌اند. یکی از آن‌ها که مستقیماً با تغییر جایگاه بنا به مسجدجامع شهر مرتبط است، کتیبه نواری میانه ایوان شرقی مسجد مربوط به سال ۱۲۲۹ق است. در بخشی از آن سوره جمعه نگاشته شده است که آیه نهم آن در مورد ضرورت شرکت در نماز جمعه است. علاوه بر این در ابتدای کتیبه شعری سال ۱۲۳۰ق در سینه اسپر همین ایوان نیز آیه ۱۸ سوره توبه آمده که در مورد آباد کردن مساجد خدا به دست مؤمنان است.

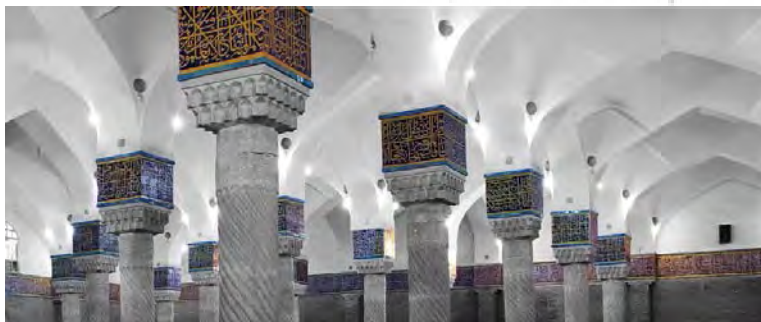
به نظر می‌رسد تغییر جایگاه دارالاحسان هم‌زمان با تخریب مسجد و مدرسه بابان (مسجدجامع قبلی سنندج) اتفاق افتاده باشد. مورخان از مسجد و مدرسه‌ای خبر می‌دهند که امان‌الله‌خان - بانی دارالاحسان - آن را ویران کرد. این بنا را خان‌پاشای بابان در سال ۱۱۳۲ق پس از تصرف شهر سنندج بنا کرد (قاضی ۱۳۸۷، ۴۴)، بنا حدود صد سال پابرجا بود و امان‌الله‌خان اردلان مبتنی بر تعصب ایلی و عشیره‌ای و از آنجاکه وجود بنای اغیار را در ملک خود ننگ می‌دانست، آن را تخریب کرد (مستوره ۱۳۳۲، ۷۲؛ وقایع‌نگار ۱۳۷۹، ۱۰۴؛ سنندجی ۱۳۶۶، ۱۳۵؛ مردوخ ۱۳۷۹، ۱۱۹). تخریب مسجدجامع قبلی حدوداً مقارن احداث بنای دارالاحسان بود. بر این اساس پژوهشگران قبلی این فرضیه را مطرح کرده‌اند که امان‌الله‌خان مسجد بابان (مسجدجامع قبلی) را ویران کرد و دارالاحسان (مسجدجامع جدید) را ساخت (کریمیان ۱۳۷۴، ۸۲؛ زارعی ۱۳۸۵ الف، ۳۱؛ Alizadeh 2004, 119). اما شواهد نشان می‌دهند که دارالاحسان از ابتدا مسجدجامع نبود و به احتمال زیاد در سال ۱۲۲۹ق، سه سال پس از تأسیس، مسجدجامع شهر شد.

متناسب با این تغییر شبستان بنا بزرگ‌تر از شبستان اولیه بازسازی شد. در ابتدای کتیبه قرآنی داخل شبستان که دورتادور بر جرزها نصب شده، تاریخ اتمام ساخت آن ۱۲۳۰ ق ذکر شده است.^{۳۸} این کتیبه دقیقاً برای محل قرارگیری اش طراحی شده، به صورت نواری بر دیوار شبستان و پیش آمدگی نیم‌ستون‌های آن گرداگرد فضا تداوم یافته است (تصویر ۳۳، راست). بر این اساس می‌توان فهمید حدود امروزی شبستان همان است که در سال ۱۲۳۰ بوده است. محل قرارگیری محراب نیز پس از بازسازی شبستان تغییر کرده و همان وضعیت را داشته است که امروز دارد. کتیبه نواری شبستان جزئیاتی هماهنگ با محل قرارگیری محراب دارد. نصب کاشی‌های کتیبه را از جایی آغاز کرده‌اند که نام بانی - «امان‌الله‌خان اردلان والی بگردستان» - روی نیم‌ستون سمت راست محراب قرار گیرد که برای شاخص‌تر شدن، آن را به رنگ زرد نوشته‌اند (تصویر ۳۳، چپ). به قرینه، روی نیم‌ستون سمت چپ محراب هم، بخشی از آیات قرآنی به رنگ زرد نگاشته شده است (زارعی ۱۳۸۵ الف، ۵۲). این تقارن متناسب با محل قرارگیری محراب در میانه دیوار قبله است.



تصویر ۳۳، راست: محل قرارگیری کتیبه سال ۱۲۳۰ دور تا دور فضای شبستان؛ چپ: نام بانی و بخشی از آیات به رنگ زرد در دو طرف محراب نوشته شده است.

گسترش شبستان آخرین اقدام عمده ساختمانی امان‌الله‌خان در مسجد و مدرسه دارالاحسان بود. کتیبه‌ای هم‌زمان با پایان ساخت شبستان (۱۲۳۰) در سینه اسپر ایوان شرقی مسجد ساخته‌اند که همه فعالیت‌های ساختمانی بنا را از ابتدا تا آن زمان دربر گرفته و سامان بخشیده است. شاعر در این کتیبه پنج ماده تاریخ برای سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۰ به صورت متوالی سروده که در آن سال ۱۲۲۶ سال بنیاد و ۱۲۳۰ سال اتمام بنا نامیده شده است.^{۳۹} تنها کتیبه‌های پس از سال ۱۲۳۰ ق مربوط به این بازه، کتیبه‌های قرآنی سرستون‌های داخل شبستان است (تصویر ۳۴). همه آن‌ها تاریخ ۱۲۳۲ ق دارند و چنین به نظر می‌رسد که پس از ساخت شبستان تا دو سال تکمیل تزیینات آن طول کشیده است.



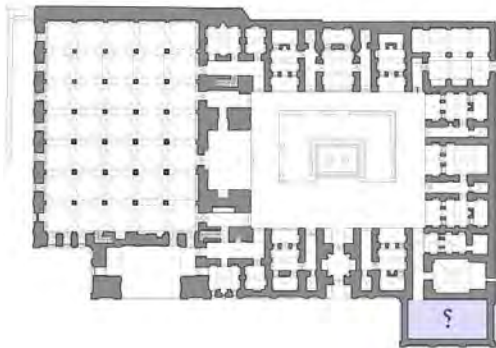
تصویر ۳۴: کتیبه قرآنی سرستون‌ها همگی تاریخ ۱۲۳۲ ق دارند و متناسب با کتیبه دیوار شبستان طراحی شده‌اند.

۳. بازنمایی تغییرات و صورت بنا

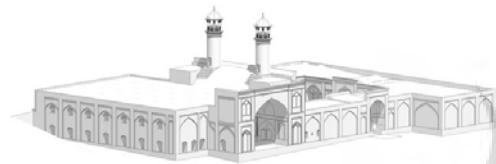
با تکیه بر بررسی‌های انجام‌شده در هر سه بازه زمانی، برای بازنمایی یکپارچه و روشن تغییرات بنا، مدل سه‌بعدی و نقشه برش افقی آن برای هر دوره ترسیم شد. نتیجه کار همراه با رویدادهای مربوط به هر دوره در جدول ۱ عرضه شده است. در این بازنمایی برای انتقال بهتر سیر تحولات، این بار دوره‌بندی بنا از زمان ساخت آغاز می‌شود.

جدول ۱: تغییرات و صورت بنا در طول زمان

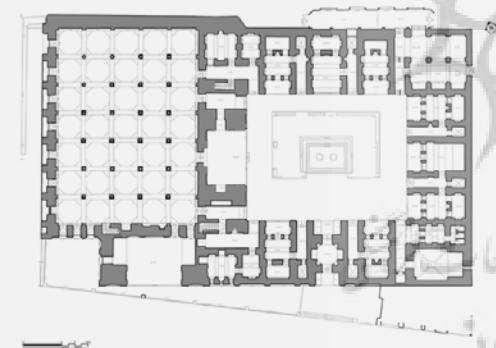
تاریخ	تغییرات بنا و رویدادهای مرتبط	مدل سه‌بعدی و نقشه بنا
دوره ساخت [تاریخ‌های این دوره قمری هستند]	<p>۱۲۲۶ تا ۱۲۲۷</p> <p>تأسیس بنا شامل شبستان مسجد با دو ردیف ستون شش‌تایی و مدرسه با حجره‌ها و مدرس در اطراف صحن؛ به درازا کشیدن اتمام بخش‌هایی از بنا تا سال ۱۲۲۷ از جمله سردر ورودی</p> <p>* در بازنمایی شبستان قبل از گسترش: الف. درگاه‌های پر شده بین شبستان و ایوان جنوبی و محراب مدفون شده به حالت اولیه اصلاح شده‌اند؛ ب. دو ردیف غربی ستون‌های شبستان حذف شده و در جای ردیف سوم ستون‌ها دیوار قرار داده شده است؛ پ. با این فرض که نمای دیوار ایوان هماهنگ با نمای دیوار شبستان تخریب‌شده بوده است، ارتفاع سقف شبستان هماهنگ با ارتفاع طاق‌نمای مدفون دیوار ایوان تنظیم شده است؛ ت. از آنجاکه بازشوه‌های دیوار غربی شبستان در دو طبقه و برای تهویه هوای داخل شبستان طراحی شده‌اند، به نظر نمی‌رسد تعداد بازشوه‌های این دیوار پیش از گسترش شبستان به همان اندازه بوده باشد. ممکن است این جداره اصلاً دارای بازشو نبوده باشد. باین‌حال در بازنمایی آن بازشوه‌های پایینی حفظ شده‌اند.</p>	 <p>تصویر ۳۵: مدل سه‌بعدی بنا پیش از گسترش شبستان ۱۲۲۶-۱۲۲۸ ق</p>
۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸	<p>تأکید بر وجه آموزشی بنا و انتخاب عنوان «دارالاحسان» متناسب با آن؛ انتصاب شیخ محمدسعید مردوخ در سمت تدریس در دارالاحسان؛ افزودن بر تزئینات بنا از جمله کتیبه‌های شعری از راه‌ها در دو ایوان جنوبی و شرقی</p>	 <p>تصویر ۳۶: نقشه بنا پیش از گسترش شبستان ۱۲۲۶-۱۲۲۸ ق</p>
۱۲۲۹	<p>تغییر جایگاه بنا به «مسجدجامع» که متعاقباً به تخریب مسجدجامع قبلی منجر شد؛ ساخت و نصب کتیبه‌های قرآنی و تصمیم برای ساخت شبستانی بزرگ‌تر متناسب با جایگاه جدید بنا</p>	
۱۲۳۰	<p>پایان ساخت شبستان جدید با چهار ردیف ستون شش‌تایی و با سقف مرتفع‌تر؛ ساخت و نصب کتیبه قرآنی دورتادور شبستان</p>	
۱۲۳۲	<p>کامل شدن تزئینات شبستان شامل کتیبه‌های قرآنی سرستون‌ها</p>	
دوره میانی [تاریخ‌های این دوره قمری هستند]	<p>۱۲۳۴</p> <p>وقف شش دانگ روستای خلیجیان، در شمال سمنجن، از آب و زمین و باغ و... بر مسجد و مدرسه دارالاحسان برای صرف جواجیح و طلبه و مدرس و خدمه و مؤذن توسط امان‌الله‌خان بانی بنا</p>	 <p>تصویر ۳۷: مدل سه‌بعدی بنا پیش از بازسازی مناره‌ها ۱۲۳۲-۱۲۴۴ ق</p>
۱۲۸۴ الی ۱۲۳۶	<p>خروج تولیت موقوفه‌های بنا از دست متولیان اصلی پس از پایان امارت اردلان‌ها در کردستان اردلان و اقول قدرت آن‌ها؛ ثبت گزارش فروریزی برخی از کاشی‌های بنا در سال ۱۲۹۷؛ ثبت گزارش‌هایی از وضعیت نابسامان بنا در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۹</p>	
۱۳۲۶	<p>بازگشت تولیت موقوفه‌های بنا به ارشد اولاد امان‌الله‌خان در پی وضعیت نابسامان بنا</p>	
۱۳۴۳	<p>بازسازی مناره‌ها، بلندتر از مناره‌های قبلی، به وسیله استاد الله‌مراد بنا و استاد حبیب‌الله نجار؛ گزارش وضعیت نابسامان بنا توسط مردوخ</p> <p>* منای بازنمایی مناره‌ها عکس‌هایی است که علی‌خان والی و آقارضا اقبال السلطنه از بنا برداشته‌اند.</p>	



تصویر ۳۸: نقشه بنا پیش از در دوره میانی ۱۲۳۲-۱۲۵۱ق



تصویر ۳۹: مدل سه‌بعدی بنا پیش از احداث خیابان ۱۳۴۳-۱۳۵۱ق



تصویر ۴۰: نقشه وضعیت امروزی بنا



تصویر ۴۱: مدل سه‌بعدی وضعیت امروزی بنا

۱۳۱۱	احداث خیابان شاپور در مجاورت بنا؛ تخریب بخش کوچکی از بنا در گوشه جنوب شرقی آن ضمن احداث
۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴	سامان‌دهی جداره جنوبی بنا در کنار خیابان تازه‌تاسیس شامل کاشی‌کاری ایوان جنوبی و پشت‌بغل برخی از طاق‌نماهای جداره جنوبی، ساخت سکوی ورودی و چند دهنه مغازه به‌موازات خیابان مجاور و متصل به جداره جنوبی بنا
۱۳۲۷	ثبت مسجد و مدرسه دارالاحسان در فهرست میراث ملی به شماره ۳۷۵
دهه ۳۰	ساخت پشت‌بندهای دیوار غربی شبستان
۱۳۳۴ تا ۱۳۵۵	تغییر و افزایش تراز کف صحن، حوض و سکوی اطراف آن به‌اندازه ۳۵ سانتی‌متر؛ دفن شدن پله اول ابتدای راهروها
۱۳۶۰	تبدیل حجره کنار سرویس بهداشتی در جنوب شرقی صحن به سرویس بهداشتی زنانه
دهه ۷۰	تأسیس مسجدجامع جدید در مجاورت بنا؛ ایجاد گشودگی‌هایی در دیوار فضای شمال شرقی صحن و انتهای یکی از راهروهای بنا به مسجدجامع جدید

دوره معاصر

تاریخ‌های این دوره شمسی هستند

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

نتیجه

در این مقاله صورت اولیه مسجد و مدرسه دارالاحسان و تغییرات آن در طول زمان با بهره‌گیری از ترکیب راهبردی تاریخی با راهبرد مطالعه موردی شناسایی، تحلیل و تفسیر شده است. این بنا را امان‌الله‌خان اردلان والی کردستان در سال ۱۲۲۶ ق بنیان نهاد. از این تاریخ به مدت هفت سال به صورت پی‌درپی در صورت و جایگاه بنا تغییراتی ایجاد شد. مهم‌ترین آن‌ها تغییر نقش بنا به مسجدجامع شهر در سال ۱۲۲۹ ق است؛ شبستان بنا که ابتدا کوچک‌تر بود و دو ردیف ستون داشت تخریب و تا سال ۱۲۳۰ ق به جای آن، شبستان بزرگ‌تر و بلندتر با چهار ردیف ستون ساخته شد. تخریب مسجدجامع قبلی شهر احتمالاً در این مرحله اتفاق افتاد.

با وجود موقوفه‌های فراوان تا سال ۱۳۴۳ ق هیچ مرمت قابل توجهی در بنا صورت نگرفت. بی‌توجهی متولیان به بنا و نیز خارج شدن تولیت از دست متولیان اصلی برای مدتی (احتمالاً از ۱۲۸۴ تا ۱۳۲۶ ق) از عوامل اثرگذار بر این وضعیت بودند. بنا تا چندین دهه پس از ساخت وضعیت مناسبی داشت. رفته‌رفته با بیشتر شدن عمر بنا برخی از کاشی‌های آن فروریخت و خرابی‌هایی در در و دیوار بنا آشکار شد. این روند همچنان ادامه داشت و تا سال ۱۳۴۳ ق مناره‌های بنا فروریخت. مناره‌ها در همین سال بلندتر از مناره‌های قبلی بازسازی شدند.

در سال ۱۳۵۱ ق / ۱۳۱۱ ش احداث خیابان شاپور (خیابان امام خمینی امروزی) در مجاورت بنا موجب تخریب بخش کوچکی در جداره جنوبی بنا شد و تا سال ۱۳۱۴ ش اقداماتی برای سامان‌دهی بنا به تناسب موقعیت جدیدش در کنار خیابان صورت گرفت. از آن تاریخ تا امروز صورت بنا کم‌وبیش ثابت مانده است؛ به‌ویژه پس از ثبت بنا در فهرست آثار ملی در ۱۳۲۷ ش که عمده اقدامات مرمتی در جهت حفظ صورت اصیل بنا بوده است.

به این ترتیب این مطالعه شرحی منسجم و یکپارچه از دگرگونی‌های کالبدی بنا به‌همراه برخی رویدادهای مرتبط عرضه می‌کند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد بنا از ابتدا مسجد و مدرسه‌ای بود که وجه آموزشی آن بیشتر از وجه عبادی آن اهمیت داشت؛ عنوان بنا متناسب با جایگاه علمی آن انتخاب شد و ابعاد و اندازه بزرگ بخش آموزشی در مقایسه با شبستان پیش از گسترش هم بیانگر همین موضوع است. سه سال پس از تأسیس، بنا مسجدجامع شهر شد و متناسب با آن شبستان تخریب و بزرگ‌تر از پیش ساخته شد. این برداشت زمینه را برای شکل‌گیری تفسیرهای عمیق‌تر درباره انگیزه ساخت بنا، هنجارهای مکان‌یابی و الگوهای طراحی آن هموار می‌کند. همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، برخی از پژوهشگران با این فرض که دارالاحسان از ابتدا به‌عنوان مسجدجامع شهر ساخته شد، در مورد ارتباط آن با تخریب مسجدجامع قبلی، انگیزه رقابتی بانی و مکان‌یابی مسجدجامع جدید نسبت به بازار و قلعه حکومتی نگاشته‌اند. براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان نظرات تازه‌ای را در مورد انگیزه ابتدایی بانی از ساخت بنا و چگونگی و چرایی تغییر آن در طول دوره ساخت، ارتباط دارالاحسان با مسجدجامع قبلی شهر در بدو تأسیس و مکان‌یابی آن مطرح کرد. علاوه بر این، این تحقیق امکان بازبینی فرضیه زارعی و کریمیان را - مبنی بر احتمال ناتمام ماندن بنا - فراهم کرده است. آنان از مرگ و ناکام ماندن بانی برای احداث صحنی جنوبی در ارتباط با ایوان جنوبی نگاشته‌اند؛ با این تصور که ایوان جنوبی الزاماً باید در کنار صحنی قرار بگیرد. یافته‌های این تحقیق نادرستی این فرضیه را نشان می‌دهد و گویای آن است که ایوان جنوبی از اجزای قدیمی بنا و بخشی از صورت اصیل بنا (مربوط به سال ۱۲۲۷ ق) است که کلیت آن تا امروز بدون تغییر مانده است. از سوی دیگر، روشن شدن صورت اصیل ایوان جنوبی در ارتباط با شبستان اولیه به صورت دقیق‌تر صحت ادعای خادمزاده و همکارانش را در مورد شباهت این چیدمان با چیدمان ایوان-شبستان در گونه مساجد بومی کردستان نشان می‌دهد که در آن فضای شبستان از طریق بازشوهای دیوار قبله به فضای نیمه‌باز ایوان منتهی می‌شود. یافته‌های این تحقیق کمک می‌کند پرسش‌های بیشتری در مورد دلایل ساخت این گونه ایوان مطرح شود؛ هم‌چنین زمینه بررسی‌های مستند و دقیق‌تر را در گونه‌شناسی مساجد تاریخی کردستان و شناخت الگوهای فضایی رایج در معماری بومی کردستان فراهم می‌کند.

خادمزاده و همکارانش معتقدند تأثیر مساجد بومی کردستان بر مساجد دارای حیاط مرکزی - همچون دارالاحسان - مشهود است؛ اما اهمیت و نقش برخی اجزا مانند راهروها در این دو گونه به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه نیست. کیفیت برخی

از فضاها در صورت اصیل بنا - که در این تحقیق روشن شده - با کیفیت آن‌ها در صورت امروزی بنا متفاوت است. برای مثال تغییر تراز صحن بر کیفیت فضاهای اطراف آن همچون ایوان، ایوانچه‌ها و راهروها اثر گذاشته است. یافته‌های این تحقیق ضرورت بازبینی مقایسه‌های صورت گرفته میان اجزای مساجد منطقه در بررسی‌های گونه‌شناسانه قبلی را نشان می‌دهد و امکان مقایسه‌های دقیق‌تر را فراهم کرده است.

هرچند در این مقاله بخش عمده پرسش‌ها پاسخ داده شد، هنوز در بررسی تغییرات و صورت اولیه برخی از بخش‌های بنا ابهام وجود دارد. نامعلوم بودن صورت اولیه فضاهای گوشه شمال شرقی و جنوب شرقی صحن، ابهام درباره بازشوهای دیوار غربی شبستان، ابهام در ارتفاع سقف شبستان اولیه که تنها مبتنی بر ارتفاع طاق‌نماهای قدیمی تخمین زده شد و ابهام در صورت دقیق محراب اولیه از جمله این موارد هستند. احتمالاً بتوان با گمانه‌زنی در دیوارها و پی بنا اطلاعات بیشتری در مورد آن‌ها به دست آورد که برای نگارندگان ممکن نبود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در مرور پیشینه تحقیق فقط آرای آن دسته از محققان بررسی شده که به پرسش‌های مقاله حاضر پرداخته‌اند، هرچند از توصیف‌های سایر محققان از بنا برای بررسی تغییرات و صورت اصیل آن استفاده شده است؛ از جمله می‌توان به توصیف‌های محسنی، سیف‌الدین اردلان، ایازی، احمدی، رضوی و سلیمانی اشاره کرد.

۲. در بررسی تصاویر، به تاریخ‌گذاری و مشخص کردن جای دوربین توجه شد. تصاویر از آن نظر که اطلاعاتی درجه اول به صورت مستقیم و بدون واسطه زبانی ارائه می‌دهند، برای فهم وضعیت بنا بسیار بااهمیت هستند.

۳. در بررسی منابع متنی، درجه یک بودن نویسندگان نسبت به نقل‌هایشان و ذی‌نفع بودن آن‌ها مورد توجه قرار گرفت. به این منظور، سال نگارش کتاب، سال تولد و وفات نویسندگان، منصب و نیز رابطه‌شان با بنا بررسی شد. در بررسی کتیبه‌ها، علاوه بر مضمون متن، محل قرارگیری‌شان نیز مورد توجه قرار گرفت. برخی کتیبه‌ها فقط برای نصب در مکانی مشخص طراحی شده‌اند و قابلیت جابه‌جایی و نصب در مکانی دیگر را ندارند. بعضاً این کتیبه‌ها اطلاعات دقیقی از صورت بخشی از بنا در تاریخی مشخص (تاریخ کتیبه) به دست دادند.

۴. توجه به زمینه و عوامل مؤثر بر وضعیت بنا در هر بازه زمانی از جمله مواردی است که به روایت‌ها انسجام بخشیده است. در هر بازه سعی بر این بوده است که تغییرات در ارتباط با اتفاق‌های مرتبط تبیین شوند. برای مثال ثبت ملی بنا بر حدود تغییرات ایجادشده در بنا اثر گذاشته است؛ یا خارج شدن تولیت موقوفه‌ها از دست متولیان اصلی یکی از عوامل اثرگذار بر وضعیت ناسامان بنا در دوره‌ای مشخص است. در دوره ساخت نیز تغییر جایگاه بنا (مسجد جامع شدن آن) کمک زیادی به تبیین تغییرات این بازه کرده است.

۵. ناوقه‌لا.
۶. کتیبه هشتی ورودی [جوهری تعمیر را تاریخ شمسی زد رقم/ دارالاحسان یافتی از پهلوی فر نوین ۱۳۱۴] و کتیبه قاب ایوان جنوبی [در سنه ۱۳۱۴ شمسی تعمیر ایوان جنوبی دارالاحسان انجام گرفت].

۷. مرمت‌ها بیشتر مربوط به تعمیر نماها (شامل کاشی‌کاری، تعویض و تراش آجرها، سفیدکاری، تعمیر و تعویض درها، پنجره‌ها و ارسی‌ها و...)، دفع رطوبت جوی و رطوبت زمین (عایق‌کاری پشت‌بام، تعویض ناودان‌ها، عایق‌کاری دیوارهای آب‌انبار، زهکشی دیوارها و حفر کانال و...)، استحکام‌بخشی بنا (دیوارها و مناره‌ها) و کارهای تأسیساتی (تعمیر سرویس‌ها، کانال فاضلاب، لوله‌کشی آب‌انبار و برپا کردن سیستم گرمایشی) است.

۸. به گفته زوری استاد علی‌اکبر پهلوانی سرپرستی این کار را به عهده داشته‌اند.
۹. متأخرترین تصویر تاریخ‌دار پیش از تغییر صحن مربوط به سال ۱۳۳۴ (تصویر ۷) و قدیمی‌ترین تصویر که بالا آمدن ارتفاع صحن در آن نمایان باشد مربوط به سال ۱۳۵۵ است (ر.ک: پرونده ۳۸۵۹، اسناد وزارت میراث فرهنگی کشور).

۱۰. تغییر تراز صحن احتمالاً از تبعات آجرفرش کردن آن است. در عکس‌های قدیمی‌تر صحن سنگ‌فرش است.
۱۱. قصری (متولد ۱۳۵۰) احداث خیابان را به چشم خود ندیده و ظاهراً شنیده‌هایش را نوشته است.

۱۲. مگر اینکه منظور او از صحن فضای گشوده جلوی مسجد باشد نه میان سرا.
۱۳. با توجه به اینکه بیرون‌زدگی‌ای در این ناحیه وجود داشته است، نمای بازسازی شده مبنای درستی ندارد.
۱۴. چو شد گلدسته برپا گفت ناطق بهر تاریخش / دلا بشنو ازین گلدسته آواز مسلمانی (۱۲۲۶).
۱۵. بسم الله الرحمن الرحيم هذا المسجد المبارك الشريف و المدرس العالی المنيف قدبناهما الوالی المعظم و الامير المفخم ناشر اثار العدل و الاحسان باسط بساط الامن و الامان المخصوص بامان الله فی الافاق مالک سریر الامارة بالاستحقاق الوالی ابن الوالی امان الله خان اردلان الوالی بکردستان ادام الله ملكه و دولته الی مدید الزمان سنة الف و ماتین و عشرين و ست سنة ۱۲۲۶ من هجرة اشرف المرسلین.
۱۶. برپا چو شد از فر امان‌اللهی / این مسجد و این مدرس فرخ‌بنیان // خرم به بدیهه گفت تاریخش نیز / شد مسجد و مدرس امان‌الله‌خان (۱۲۲۶).
۱۷. غرض این درگه والا چو ز سعی والی / یافت اتمام به توفیق خداوند ودود // هاتفی گفت بخرم ز پی تاریخش / حق درین ملک در کعبه اقبال گشود (۱۲۲۷).
۱۸. هر چند وجود ناهماهنگی بین اجزای مختلف بنا نامنجم بودن طرح را نشان می‌دهد و می‌تواند دلیلی بر ناهم‌زمانی ساخت اجزا باشد، هماهنگ بودن آن‌ها الزاماً دال بر هم‌زمانی ساختشان نیست. می‌توان متصور شد که تغییر و گسترش اجزای جدید هماهنگ با اجزای قدیمی صورت گرفته است.
۱۹. «کرد در این مدرس محکم مکان ملاسعید/ تا کند باریط اهل علم را اهدای علم» و «ندر این مدرس که زبید اهل عالم را مقام / شد مقیم از بهر حق ملاسعید علم‌دان»؛ شیخ محمدسعید تحت عنوان «الداعی المدرس بدارالاحسان» به‌عنوان شاهد وقف‌نامه بنا را نیز امضا کرده است (ر.ک: بی‌نا ۱۳۷۴، ۱۱۸).
۲۰. کتیبه‌ی ازاره ایوان جنوبی [با تکلف از پی سال بنا این چند بیت (۱۲۲۷) // جلوه‌گر آمد بجوش از بحر گوهرزای علم (۱۲۲۷) // بهر سال این بنا هستند یک در یک گواه (۱۲۲۷) // این مصارع کآمده از عین عقل و رای علم (۱۲۲۷) // زد رقم ناطق به سال این بنا با فکر و عقل (۱۲۲۷) // دارالاحسان شد بنا و شد به‌جا ماوای علم (۱۲۲۷)؛ کتیبه‌ی ازاره ایوان شرقی [شد ز بهر سال بنیاد و پی اتمام آن (۱۲۲۷) // هریک از این مصرع دلکش گواهان کزین (۱۲۲۸)].
۲۱. بررسی زارعی محدود به مساجد محله‌ای سنندج است. این الگو به‌جز مساجد میرزا فرج‌الله وزیر، ملا احمد قیامتی، مولانا خورشیدلقاخانم و وزیر در سنندج، در مساجد سایر مناطق کردستان هم دیده می‌شود؛ از جمله می‌توان به مساجد دومناره و شیخ‌مظهر در سقر، مسجد سور مهاباد و مسجد روستاهای آویهنک، خسروآباد، ترجان، حمامیان و برخی دیگر از مساجد تاریخی کردستان اشاره کرد.
۲۲. هر چند نباید غافل بود که شاید این تغییر به‌دلیل شیب کوچه باشد.
۲۳. ر.ک: مدخل «امان‌الله‌خان اول والی اردلان» در تاریخ مشاهیر کرد، ج ۳.
۲۴. ر.ک: مدخل «فخرالکتاب سنندجی» و «آیت‌الله مردوخ سنندجی» در تاریخ مشاهیر کرد، ج ۲؛ سنندجی در سال ۱۲۷۵ق به دنیا آمد و کتابش را در سال ۱۳۱۹ ق نگاشت. مردوخ در سال ۱۲۹۸ق به دنیا آمد و کتابش را در فاصله سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۱ق نگاشت.
۲۵. «تعالوا و انظروا یا قوم هذا الجامع العالی» و «لجد افلح الوالی بهذا الجامع العالی».
۲۶. «و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا».
۲۷. «من بنا مسجدا لله تعالی بنا الله له بیتا فی الجنة» و «لا صلوة لجار المسجد الا فی المسجد».
۲۸. «قد بنا هذا المسجد المسمى بدارالاحسان [...] امان‌الله‌خان اردلان الوالی بکردستان [...] تاریخ اتمامه ۱۲۳۰».
۲۹. مصرع اول دهد از سال بنیادش خبر / فر ایزد باشد از این مسجد و مدرس عیان ۱۲۲۶.
- مصرع ثانی است تاریخ دوم سال از بنا / باد دایم دارالاحسان امان‌الله‌خان ۱۲۲۷.
- از سیوم مصرع سیوم سال بنای آن بجو / گشت این مسجد بنا از لطف حی لامکان ۱۲۲۸.
- چارمین مصرع بود تاریخ سال چارمین / شد بنای این رواق از والی والانشان ۱۲۲۹.
- پنجمین مصرع نشان سال اتمامش بود / باد این ماوی محل فیض یزدان جاودان ۱۲۳۰.

منابع

- احمدی، قاسم. ۱۳۸۳. مرمت آثار باستانی استان کرمانشاه و کردستان. کرمانشاه: کرمانشاه.
- اردلان، خسرو بن محمد. ۲۵۳۶. لب التواریخ. تهران: کانون خانوادگی اردلان.
- اردلان، سیف‌الدین. ۱۳۴۹. امان‌الله‌خان اردلان و مسجد دارالاحسان. وحید، ش. ۸۶: ۲۴۴-۲۵۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۸. مرآة البلدان. تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. ج ۴. تهران: دانشگاه تهران.
- ایازی، برهان. ۱۳۷۱. آیینة سنندج. تهران: برهان ایازی.
- بی‌تا. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی کردستان.
- بی‌تا. مرکز اسناد وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. پرونده‌های شماره ۳۸۵۷-۳۸۸۴.
- بی‌تا. ۱۳۷۴. وقف‌نامه مسجد و مدرسه دارالاحسان. وقف میراث جاویدان، ش. ۱۰: ۱۱۷-۱۱۹.
- خادم‌زاده، محمدحسن، غلامحسین معماریان، و کامیار صلواتی. ۱۳۹۶. گونه‌شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران. مطالعات معماری ایران، ش. ۱۱: ۱۰۳-۱۲۴.
- دیوان‌بیگی، میرزا حسین خان. ۱۳۸۲. خاطرات دیوان‌بیگی (میرزا حسین خان) از سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۷ قمری (کردستان و طهران). به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. تهران: اساطیر.
- رضوی، محمدرضا، و سارا سلیمانی. ۱۳۸۴. در جست‌وجوی هویت شهری سنندج. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۸۵ الف. مسجد - مدرسه دارالاحسان سنندج. سنندج: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۸۵ ب. میراث بازیافته. سنندج: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۸۶. تغییر و تحولات شهر سنندج در دوران صفوی و قاجار از دیدگاه مطالعات باستان‌شناختی. رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۹۴. گونه‌شناسی مساجد محله‌ای شهر سنندج در دوره قاجار. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش. ۱۹: ۲۸-۱۵.
- زنوری، یدالله. اسفند ۱۳۹۵. گفت‌وگوی شخصی با سید کامیار نقشبندی در اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان.
- سلیم، محمدرضا ابن صوفی. ۱۳۹۲. تاریخ کردستان (۱۳۳۰-۱۳۴۴ ق). تصحیح دل‌آرا مردوخ. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سنندجی، میرزا شکرالله. ۱۳۶۶. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تصحیح حشمت‌الله طیبی. تهران: امیرکبیر.
- شریعتی، حامد. بایگانی شخصی عکس، سنندج.
- صداقت‌کیش، جمشید. ۱۳۹۰. اخبار کردستان به روایت روزنامه‌های وقایع اتفاقیه، دولت علیه ایران و ایران. تهران: توکلی.
- علی‌خان والی. بی‌تا. کتاب عکس. <http://pds.lib.harvard.edu/pds/view/6665026?n=28&res=4&image-size=1200> (دسترسی در ۱۳۹۶/۰۱/۲۰)
- قاضی، ملا محمدشریف. ۱۳۸۷. زیادة التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- قصری، محمد کامبیز. ۱۳۸۰. سنندج دارالایاله کردستان ایران. سنندج: دانشگاه کردستان.
- کریمی‌ان، حسن. ۱۳۷۴. مسجد دارالاحسان سنندج. وقف میراث جاویدان، ش. ۹: ۸۲-۹۱.
- گازرانی، اسعد. بایگانی شخصی عکس، سنندج.
- محسنی، ناصر. ۱۳۲۷. جغرافیای طبیعی، اقتصادی، تاریخی، سیاسی کردستان. بروجرد: بی‌تا.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد. ۱۳۷۹. تاریخ مردوخ. تهران: کارنگ.
- مستوره کردستانی، ماه‌شرف. ۱۳۳۲. تاریخ اردلان. تصحیح ناصر آزادپور. کرمانشاه: بهرامی.
- مهریار، محمد، شامیل فتح‌الله یف، فرهاد فخاری تهرانی، و بهرام قدیری. ۱۳۷۸. اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار.

- تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، دانشگاه شهید بهشتی.
- ناطق اصفهانی، محمدصادق. بی تا. بحر الالفاظ [نسخه خطی]. با شماره بازیابی ۱۷۹۹۲ و شماره ثبت ۲۰۹۱۵۷، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- وقایع نگار کردستانی، میرزا علی اکبر. ۱۳۷۹. جغرافیا و تاریخ کردستان (حدیقه ناصریه و مرآة الظفر). تصحیح محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- Alizadeh, H. 2004. The Kurdish City of Sanandaj: An Analysis of Its Formation and Historical Development until 1930 in *Journal of Kurdish Studies* 5: 103-126



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۴ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲